

# نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها  
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

## یادداشت سیاسی

### سرمقاله

مهدی سامع

ولایت خامنه ای در باشگاه اتمی جا رزرو کرده است.

هزار و نود و پنجمین نشست شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی صبح روز دو شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۳ کار خود را آغاز کرد و به بررسی گزارش محمد البرادعی مدیرکل این آژانس در باره فعالیتهای هسته ای جمهوری اسلامی ایران پرداخت و عصر روز جمعه ۲۹ خرداد ۱۳۸۳ برابر با ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴ با صدور قطعنامه ای درباره فعالیتهای هسته ای رژیم ایران پایان یافت. در این قطعنامه ضمن درخواست تصویب پروتکل الحاقی از طرف رژیم ایران، از «این که بعد از تقریباً دو سال از زمانی که برنامه اعلام نشده ایران به آگاهی آژانس رسید، برخی مسائل و علی الخصوص دو مساله کلیدی درک وسعت و سرشت برنامه غنی سازی ایران، منبع تمامی آلودگیهای اورانیوم با غنای بالا در ایران و دامنه و سرشت کار انجام شده بر مبنای طرح ساترفیوژ پیشرفته P2 همچنان باقی است» (خبرگزاری مهر) ابراز نگرانی شده است. از جمله نگرانیهای دیگر شورای حکام «در مورد واردات قطعات P2 از خارج و آزمایشهای غنی سازی لیزری که نمونه هایی از غنی سازی تا حد ۱۵ درصد را تولید کرده» می باشد. در قطعنامه به سوالها و تردیدهای کارشناسان آژانس «در رابطه با توضیحات ارائه شده از جانب ایران در رابطه با این برنامه ها، که مستلزم توضیحات بیشتر است» اشاره شده و گفته شده که «همکاری ایران آن گونه که می بایست کامل، به موقع و فعال نبوده است».

در مواد ۶ و ۷ و ۸ از رژیم ایران خواسته شده که «بدون تاخیر پروتکل الحاقی را تصویب کند» و از «غنی سازیها و پروژه های اصفهان و اراک دست بردارد».

این قطعنامه که توسط ۳ کشور اروپایی و در توافق با آمریکا تنظیم شده، پس از چانه زنیهای رژیم ایران که بخش اصلی آن از کانال ۱۳ کشور موسوم به «غیر متعهد» صورت گرفت به تصویب رسید و می توان آن را تاکتیک «گفتگو و فشار» ارزیابی کرد.

یک روز پس از تصویب این قطعنامه حجت الاسلام حسن روحانی دبیر شورا عالی امنیت رژیم در گفتگو با خبرنگاران داخلی و خارجی صدور این قطعنامه را «بی اهمیت خواند چرا که الزام خاص و تعهد جدیدی را برای ایران ایجاد نکرده است» (ایلنا)

بقیه در صفحه ۲



### سالروز گشایش یک جبهه ی دیگر

«۱۷ ژوئن، سالروز گشایش یک جبهه ی دیگر علیه منافع مردم ایران و حق مسلم آنها در مبارزه علیه استبداد مذهبی حاکم، حاشیه ای است که سرکوب و قهر دولتی در اروپا، در جمهوری اسلامی و در عراق بر تاریخ کشورما افزوده است. تاریخ را اما نه حاشیه نویسان که تاریخ سازان می نگارند.»

در صفحه ۴

### «مقاومت در برابر فاشیسم مذهبی

حق است»

صفحه ۵

### جهان در آینه مرور

جنبش حقوق بشر، جنبشی جهانی

عصر کنونی

صفحه ۸



### چالشها و راهکارهای جنبش کارگری

رویدادهای جنبش کارگری در خردادماه

صفحه ۶



### کودکان کار ابزار ایجاد درآمد

به مناسبت روز جهانی کودک

صفحه ۷

### زنان در مسیر رهایی

صفحه ۱۲

### یادداشت و گزارش

صفحه ۱۵

### ادبیات ایران در هزاره دوم

نگاهی به گذشته و اشاره یی

به هزار سال مبارزه فرهنگی

صفحه ۱۷

### جدالهای از پیش برنامه ریزی شده ی

مجلس هفتم ملاها

صفحه ۳

### نه نان و نه آزادی، از ولایت به کارگر

صفحه ۲۰

### رویدادهای هنری

صفحه ۱۱

## یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

او از «عهدشکنی سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان» برای این که پرونده اتمی رژیم را همچنان باز گذاشته اند به شدت انتقاد کرد. او گفت: «جمهوری اسلامی ایران در روزهای آینده با تجدیدنظر درخصوص تعلیقات برای از سرگیری فعالیتهای غنی سازی اورانیوم تصمیمات جدیدی اتخاذ خواهد کرد.»

حسن روحانی با اشاره به توافق دوم رژیم ایران با سه کشور اروپایی در ماه فوریه ۲۰۰۳ در بروکسل که بر طبق آن رژیم ایران به اروپاییها قول گسترش دامنه تعلیقات را داده گفت اروپاییها در مقابل تعهد کرده بودند که «پرونده هسته ای ایران را در نشست ماه ژوئن شورای حکام مختومه کند.» وی در این مصاحبه چند بار از «خلف وعده های» سه کشور اروپایی به شدت گلایه کرد.

در مورد بندهای ۷ و ۸ قطعنامه روحانی می گوید: «این دو بند به شکلی که تصویب شد، الزامی را برای ایران ایجاد نمی کند، و فقط از ایران درخواست شده داوطلبانه در پروژه «یوسی.اف» اصفهان و آب سنگین اراک تجدیدنظر کند و اگر آنها را متوقف نماید اعتماد بیشتری ایجاد خواهد کرد که ایران به خاطر قانونی بودن این دو پروژه براساس مقررات «ان.بی.تی» و پروتکل الحاقی، نیازی نمی بیند درباره پروژه های اصفهان و اراک تجدیدنظر کند.» وی درخواست شورای حکام در مورد پرونده های اصفهان و اراک را از «عجایب تاریخ» خواند و گفت: «این دو پروژه داخل تعلیق نبوده و جای چانه زنی هم ندارد.»

روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله روز شنبه ۳۰ خرداد تحت عنوان «حجت بر مجلس تمام است» می نویسد: «از تعارفات و تشریفات که بگذریم، نکته مهم اینست که قطعنامه از جمهوری اسلامی ایران می خواهد اقدام به توقف کامل و جامع غنی سازی اورانیوم نماید و برای حصول اطمینان نسبت به این اقدام، فعالیت مجتمع فرآوری اصفهان موسوم به یوسی.اف و همچنین کارخانه آب سنگین اراک را متوقف نماید.» نویسنده سرمقاله نمایندگان مجلس

رژیم را مورد خطاب قرار داده و می نویسد: «با تصویب قطعنامه دیروز توسط شورای حکام، حجت بر نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز تمام شده است. اکنون که هیچ تردیدی در اهداف سلطه جویانه آمریکا و اروپا باقی نمانده، کمترین توجهی برای تصویب پروتکل الحاقی که یکی از خواسته های استعماری است وجود ندارد. قطعا تصویب پروتکل الحاقی، اقدام علیه منافع و مصالح ملت خواهد بود و نمایندگان مجلس هفتم باید با قاطعیت تمام این پروتکل را رد کنند و با این اقدام انقلابی خود تودهنی محکمی به بیگانگان سلطه طلب و زیاده خواه بزنند.»

بدین ترتیب از یک طرف روحانی مژده توقف غنی سازی را می دهد و از طرف دیگر روزنامه جمهوری اسلامی وابسته به بیت رهبری از نمایندگان مجلس ارتجاع می خواهد که بر خلاف خواست قطعنامه پروتکل الحاقی را تصویب نکنند.

مساله برنامه های اتمی استبداد مذهبی حاکم بر ایران، روز به روز برای جهانیان روشنتر می شود. سفیر آمریکا در آژانس بین المللی انرژی اتمی در باره برنامه رژیم می گوید: «حکومت ایران می کوشد با ایجاد نگرانی، شرایط را به نفع خود تغییر دهد. کسی که قصد روشن کردن لامپها را داشته باشد، چنین برخوردی پیش نمی گیرد.»

در کشوری که برای پیش افتاده ترین نیازهای مردم، برنامه عملی وجود ندارد، ادعای «دستیابی به فن آوری اتمی» برای موارد «صلح آمیز» فقط یک عوافریبی برای پوشاندن طرح تولید «سلاح اتمی» است.

نتیجه تلاش سازمان بین المللی انرژی اتمی برای «اعتماد سازی» پیرامون پروژه های اتمی رژیم ایران، دیوار بی اعتمادی را قطورتر و بلندتر کرده است. این تلاشها که همزمان با افشاگریهای مقاومت ایران همراه بوده شکاف بین اروپا و آمریکا بر سر مساله اتمی رژیم ایران را روز به روز کمتر کرده است. همزمان با سفر سوم البرادعی به ایران روزنامه های چاپ تهران به موادی اشاره کردند که روشن کننده مسائل پشت پرده بود.

روزنامه اعتماد در شماره روز سه شنبه ۱۸ فروردین در گزارش اصلی خود با عنوان «ماموریت پنهان البرادعی» نوشت: «کارشناسان غربی نتیجه چندان را برای آن پیش بینی نمی کنند. آنها معتقدند که البرادعی در سفر سوم خود به ایران، قویتر از دفعات گذشته ظاهر خواهد شد.» به نوشته گزارشگر

اعتماد «سفر محمد البرادعی در حالی صورت گرفت که از یک سو آمریکا و برخی کشورها تهران را به پنهانکاری هسته ای متهم می کنند و اظهار می دارند که مدارکی در تایید این اتهام در اختیار دارند و از طرف دیگر، حامیان سنتی ایران یعنی آلمان، فرانسه و انگلیس روز به روز از جمهوری اسلامی فاصله گرفته و به دیدگاه واشنگتن نزدیک می شوند.»

خبر اول روزنامه کیهان (شماره روز سه شنبه ۱۸ فروردین) که بعد از پایان سفر رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی منتشر شده به پایان ناگهانی این سفر اختصاص داشت. این روزنامه در گزارشی به قلم حسین شریعتمداری این سوال را مطرح کرده که «محمد البرادعی در سفر به تهران رئیس آژانس بود و یا نماینده آمریکا.»

حسین شریعتمداری در سرمقاله روز چهار شنبه ۱۹ فروردین کیهان «البرادعی را مرد خاکستری» نام نهاده که «دو روز پیش نه برای مذاکره و رایزنی بلکه برای انتقال پیام دولت آمریکا به ایران آمده بود.» مدیر مسئول روزنامه کیهان و نماینده ولی فقیه در این روزنامه در یادداشت این شماره روزنامه کیهان از دولت پرسیده با توجه به نقش محمد البرادعی آیا زمان آن نرسیده که به خود آید و از اعتماد به سازمان بین المللی انرژی اتمی صرف نظر کند.

معلوم نیست چرا پاسدار شکنجه گر به جای ولی نعمت خود که مسئول و تصمیم گیرنده اصلی در همه ی موارد مربوط به پروژه اتمی است، دولت هیچکاره در این مورد را مورد خطاب قرار می دهد. این که هدف اصلی از پروژه اتمی نظام تروریستی حاکم بر ایران ساخت سلاح اتمی است و خامنه ای در صدد است تا میلیاردها دلار را به نام انرژی اتمی «به کام سلاح اتمی» بریزد از دو دوزه بازیهای افرادی مثل حسین شریعتمداری هم مشخص می شود. وقتی مشخص شد که ۳ کشور اروپایی در صدد ارایه قطعنامه علیه رژیم ایران به شورای حکام هستند، گردانندگان رژیم و روزنامه های چاپ ایران هر یک به نوعی آزر خطر را به صدا در آوردند.

روزنامه ایران در شماره روز شنبه ۲۳ خرداد خود از قول حسن روحانی نوشت: «اگر کشورهای اروپایی بخواهند مانع از دسترسی ایران به صنایع هسته ای شوند با واکنشهای تند مردم و دولت ایران روبرو خواهند شد.» روزنامه جمهوری اسلامی در همان روز بخشی از سخنان هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه روز قبل را منتشر کرد که گفته

بود: «به کسی باج نمی دهیم» اما روزنامه کیهان بر این جمله رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نکته ای اضافه کرده و نوشت: «یکی از مسئولان عالی رتبه نظام نمی تواند از باجهائی که داده شده بی خبر باشد و باید می گفت جمهوری اسلامی ایران بیشتر از این باج نمی دهد.»

دو روز بعد روزنامه نسیم صبا پرده از روی یکی از «باج» های رژیم ایران بر می دارد و می نویسد: «ایران از روز جمعه گذشته فعالیتهای ساخت و مونتاژ سانتریفوژهای را که مخالف نظر آژانس بین المللی است متوقف کرده است.» این تاریخ درست روزیست که هاشمی رفسنجانی گفته بود «به کسی باج نمی دهیم» و این تاریخ همچنین همزمان با روزهایی است که اجلاس سران گروه ۸ در آمریکا برگزار شد و این تاریخ که هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه گفته بود که به کسی باج نمی دهیم و در عمل رژیم ساخت و مونتاژ سانتریفوژهای را که مخالف نظر آژانس بین المللی است متوقف کرده بود، همزمان است با روزهایی که ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه در اجلاس سران کشورهای گروه هشت گفت: «ایران باید دست از فعالیتهای هسته ای بردارد.»

با این همه خامنه ای که می داند دست به چه مانور چند جانبه ای زده از زبان حسین شریعتمداری در روزنامه کیهان دوشنبه ۲۵ خرداد می گوید: «ایران در یک قدمی قطع همکاری با آژانس» است. این روزنامه در سرمقاله خود و در نقش «نماینده نیروی تهدید و فشار» بار دیگر استدلالهایی در مورد لزوم خروج از پیمان ان.بی.تی را مطرح کرده و با اشاره به تحولات تازه در روابط ایران و آژانس بین المللی نوشت: «مسئولان سیاست خارجی برای «لابی» و جلب حمایت جانی در چالش هسته ای ایران به سراغ سه کشور اروپایی رفتند ولی اکنون با مشاهده خیانت این سه کشور اروپایی آیا وقت آن نرسیده که تغییر گرایش بدسیم و از کشورهایی نظیر چین و روسیه و سران عدم تعهد بهره گیری کنیم.» و روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله همین روز خود در مورد نقش ۳ کشور اروپایی نوشت: آنها هیچگاه «نقش میانجی» را ایفا نکرده اند و همیشه با ما «طرفیت» داشته اند.» و نتیجه گرفته که ۳ کشور اروپایی «دیپلماسی به شدت خوشبینانه و ساده لوحانه ایران را «مات» کرده اند.»

بقیه از صفحه ۳

جمع‌بندی سرمقاله جمهوری اسلامی چنین است: «تجربه تلخ یکساله اخیر، پایان سراب اروپا را به ما نشان داد و ثابت کرد که اتحادیه اروپا، هر تفاهمی با ما را به وسیله‌ای برای معامله با آمریکا تبدیل خواهد کرد و ایران را وجه المصلحه مناسبات خود با آمریکا می‌کند که می‌بینیم کرده است.»

روز سه شنبه ۲۶ خرداد برابر با ۱۵ ژوئن خبرگزاریها بخشهایی از سخنرانی محمد البرادعی در اجلاس هیات رئیسه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را مخابره کردند.

در همین روز حداد عادل رئیس مجلس ارتجاع در ابتدای جلسه مجلس گفت: «مجلس دیکته اجباری هیچ قدرتی را نمی‌نویسد.» حدادعادل در سخنان خود اعلام کرد که: «مجلس ایران از خارجیهها دستور نمی‌گیرد و اگر احساس کند که پروتکل الحاقی منافع ملی را تامین می‌کند آن را به تصویب می‌رساند در غیر این صورت از تایید آن سرباز خواهد زد و دولت موظف است از این تصمیم پیروی کند.» وی افزود: «تصویب پروتکل الحاقی بستگی به رفتار آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و پایبندی سه کشور اروپایی به تعهدات خود دارد.»

در همین روز روزنامه‌ها و خبرگزاریهای دولتی رژیم ایران خبر نامه خاتمی به سران سه کشور اروپایی را منتشر کردند. و در خبری دیگر از قول خاتمی گفته شد که: «مجهز شدن به فناوریهای هسته‌ای شرط بقا و پاسداری از دستاوردهای انقلاب است.»

اما مهمترین اظهار نظر در این روز به وسیله حجت الاسلام والمسلمین قربانعلی دری نجف‌آبادی وزیر سابق اطلاعات و رئیس دیوان عدالت اداری صورت گرفت که یک سند محکم برای تأیید سیاست اتمی رژیم است. روزنامه جمهوری اسلامی در شماره روز سه شنبه ۲۶ خرداد ۱۳۸۳ نوشت: «حجت الاسلام والمسلمین قربانعلی دری نجف‌آبادی وزیر سابق اطلاعات و رئیس دیوان عدالت اداری در گفتگو با خبرنگار ما، با تأکید بر حق مسلم ایران در استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی گفت: آمریکا و اروپا چه بخواهند و چه نخواهند باید بپذیرند که جمهوری اسلامی ایران در باشگاه هسته‌ای جهان قرار گرفته است.»

تمام رمز و راز برنامه اتمی ولایت خامنه‌ای با همین جمله دری نجف‌آبادی تعریف می‌شود. جمهوری اسلامی به موازات برنامه‌هایی که اطلاعات مربوط به آن را به صورت قطره چکانی در اختیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار می‌دهد، برنامه هسته‌ای مخفیانه دیگری را دنبال می‌کند که تحت نظر نیروهای نظامی سپاه پاسداران به منظور دستیابی به سلاح اتمی پیش می‌رود. بر اساس چنین سیاستی تاکتیکیهای «مانور»، «مخفی کاری»، «فریب دادن»، «مذاکره»، «تهدید»، «چانه زنی»، «باج دهی» و «باج گیری» توسط ارگانهای مختلف رژیم زیر نظر شخص خامنه‌ای به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

لیلا جدیدی رژیم مالاها گزارشی حاوی بیش از یک هزار صفحه پیرامون برنامه‌ها و تاسیسات هسته‌ای خود به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، وابسته به سازمان ملل، ارائه داد. این درحالیست که هنوز مجلس ارتجاع، پروتکل الحاقی را به تصویب نرسانده است. حسینی، نماینده رژیم در آژانس، ادعا کرد که این اقدام داوطلبانه و به منظور اعتماد سازی زودتر از موعد مقرر صورت گرفته است.

حسینی درباره گزارش مذکور می‌گوید که مطالب "غیر منتظره" ای "در آن نیست. اوازسوی دیگرگفته است که این گزارش کاملی از فعالیت‌های هسته‌ای ده سال اخیر جمهوری اسلامی است.

به ادعای رژیم، در ماه اکتبر سال گذشته نیز گزارشی که به آژانس تحویل داده شده بود، حاوی تمامی اطلاعات در این زمینه بود که مورد قبول آژانس مذکور واقع نگشت و این سازمان اعلام کرد مواردی که به استفاده نظامی از تاسیسات هسته‌ای ارتباط دارد، شامل این گزارش نشده‌اند.

چوپان دروغگو این گزارش را "کامل" و در عین حال فاقد موارد "غیر منتظره" و چشمگیر خوانده است درحالیکه از پاسخگویی به این سوال که آیا در گزارش خود اشاره‌ای به احتمال استفاده نظامی از ظرفیت هسته‌ای این تاسیسات شده است، طفره می‌رود. از این رومی توان پیش بینی کرد که به شکایت مورد نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر طرح‌های رژیم در زمینه دستگاه پیشرفته سانتریفیوژ که می‌تواند در تولید اورانیوم قابل استفاده در ساخت بمب اتمی به کار گرفته شود، پاسخی داده نشده باشد.

سیاست رژیم مالاها در همه زمینه‌ها، داخلی و خارجی، همواره ارتباط مستقیم با مقدار فشار و تهدیدی که بر آنها وارد شده، داشته است. طفره رفتن تا سرحد امکان، نمود های روشنی در رویکرد حکومت به حل مشکلات مردمی در داخل و همچنین در صحنه بین‌المللی دارد. از این روست که باید منتظر رودرویی جدی آژانس و رژیم در زمینه برنامه‌های هسته‌ای و نظامی که به موازات دیگر برنامه‌هایی که در گزارش کنایه ذکر نشده به پیش می‌رود، بود.

۴ خرداد ۱۳۸۳

زینت میرهاشمی نمایندگان مجلس قرون وسطایی با شعار «مرگ بر آمریکا» اولین اجلاس مجلس هفتم را افتتاح کردند. ولی فقیه به مناسبت شروع کار مجلس پیامی صادر کرد. وی در پیام خود فریبکارانه به مشکلات مردم اشاره کرده و حل آنها را از مجلس نشینان ارتجاع خواستار شد. خامنه‌ای در حالی که به برخی از مشکلات مانند اشتغال، محرومیت و ... اشاره کرد و مجلس هفتم ارتجاع را «تفضل ویژه پروردگار» نامید، هیچ گونه اشاره‌ای به خواست مردم یعنی آزادی و دموکراسی نکرد. وی یک سری وظایف در برابر نمایندگانش برای رسیدن به «عدالت» گذاشت.

یکی از علت‌های پایه‌ای مشکلات و ناهنجاریهای موجود در جامعه وجود ساختار فاسد و انگلی نظام ولایت فقیه است. تمام سیاست‌هایی که راهیابی به عدالت اجتماعی را میسر می‌سازد با مانع نظم سیاسی موجود روبرو می‌شود. یکی از راهکارهای رسیدن به عدالت اجتماعی، مشارکت فعال مردم در حیات سیاسی و اقتصادی جامعه است. دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی در پیوندی تنگاتنگ با هم قرار دارند. سه عامل برشمرده از جمله کارکردهای راهیابی به یک توسعه پایدار در جامعه می‌تواند باشد. خامنه‌ای با برشمردن مشکلات اقتصادی، بر خواسته‌های اصلی مردم یعنی آزادی، دموکراسی و حکومتی غیر دینی سرپوش می‌گذارد. اشاره وی به دردهای مردم، برای فریب مردم است و دیگر برای زحمتکشان ایران رنگی ندارد. زیرا که طی ۲۵ سال حیات ننگین و ارتجاعی نظام ولایتی، فقر که عامل اساسی ناهنجاریهای دیگر است توسعه پیدا کرده است. پس محصول عملکرد مجلس هفتم رژیم هم به مجلس‌های قبلی جمع بسته خواهد شد و رقم‌های آمار فقر را بیشتر خواهد کرد.

۸ خرداد ۱۳۸۳

منصور امان مجلس هفتم مالاها با انتخاب هیات ریسه موقت، نخستین گام برای رسمیت بخشیدن به حضور خود در صحنه سیاسی جمهوری اسلامی را به زمین نهاد. اگرچه آقای حداد عادل، رئیس هیات مزبور به سختی در تلاش ارابه‌ی یک تصویر متوازن و به دوراز جنجال از مجلس هفتم می‌باشد، اما نشانه‌هایی که ارگان تسخیرشده در خلال عمر کوتاه خود به جای گذاشته است، این ارزیابی را تأیید نمی‌کند.

نخستین نمود تلاطمات آتی را درگزینش آقای حداد عادل می‌توان مشاهده کرد. انتخاب او به ریاست مجلس، درحالی که دوکاندیدی گرایشهای درونی باند ولایت حتی از نامزد کردن خود برای به دست گرفتن این جایگاه چشم پوشی نمودند، نشانگر اختلافات عمیقی است که تنها توسط فشار و اعمال اتوریته مجال پدیدار شدن نیافته است. آرامشی که آقای حداد عادل از آن سخن رانده، درست به همین دلیل، پایدار نیست و هرچنین درعقره‌های توازن نیرو، آن را به موضوعی مربوط به گذشته بدل خواهد ساخت. این اتفاق می‌تواند برسرگزینش هیات ریسه دایم یا انتخاب پست‌های پرنفوذ در کمیسیونهای گوناگون مجلس رخ دهد.

ازسوی دیگر، دلیل دیگرریس موقت مجلس دراین زمینه، یعنی آنچه که او "سیاست تعامل با دولت" نامیده است، دراین میان شواهد نقض پرشماری یافته است. آقای احمد توکلی، یکی از ارگزاران بانفوذ باند ولی فقیه و مجلس کنونی، رویکرد اعلام شده ازسوی رقیب خود، آقای حداد عادل را مشروط نموده و آن را ابداً به معنای "صدورمان نامه" نمی‌داند. اودرتوضیح میدان جدال آتی، ازاهداف مشخصی به نام "وزاری ناکارآمد" نام می‌برد.

بااین وجود، حتی اگر آقای توکلی، خود را به بیان این نکته‌ی مهم درویکرد مجلس هفتم ملزم نمی‌دید، به خوبی روشن بود که برخلاف مواضع گمراه کننده آقای حداد عادل، بی اعتبار نمودن هرچه بیشتر رقبای "دوم خردادی" در دولت، یک محور کاری تعیین کننده‌ی برای باند ولایت تا هنگام انتخابات ریاست جمهوری به شمار می‌رود. امری که مقدم برهرنقطه دیگر، از کانال مجلس به تصرف درآمده به دست اجرا گذاشته خواهد شد.

چالش‌های پرهیاهوی مجلس هفتم از پیش برنامه ریزی شده‌اند. آقای حداد عادل آن را حتی درصوف ذوب و نیمه ذوب شدگان هم نخواهد یافت. ۱۰ خرداد ۱۳۸۳

## سرمقاله .....

## سالروز گشایش یک جبهه ی دیگر

منصورامان

هنگامی که در خرداد ماه سال گذشته، دولت فرانسه رشته اقداماتی را علیه سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت به دست اجرا گذاشت، کمتر کسی به دلایل عنوان شده از سوی مقامات دولتی و امنیتی "جمهوری پنجم" که در توجیه تدابیر مزبور عنوان گشته بود را به مثابه علل واقعی آن باور داشت. یورش فوجی از کماندوهای ویژه و ماموران امنیتی به دفتر شورای ملی مقاومت در اورسورواز (حومه پاریس)، ظاهراً برای کشف اسناد و مدارکی صورت گرفت که می بایست اتهاماتی همچون "فعالیت‌های تروریستی" و "اقدامات غیرقانونی" را اثبات کرده و متهمان را در برابر دستگاه دادرسی و کیفر فرانسه قرار دهد. در عمل، پروژه ی پرسر و صدا و جنجالی دولت فرانسه، تنها به بخش دوم این اهداف، یعنی بازداشت اعضا و هواداران مجاهدین، شورای ملی مقاومت و رییس جمهور برگزیده آن، خانم مریم رجوی، دست یافت. یک موفقیت گذرا که برای تامین اهداف کوتاه نظرانه و زیرمیزی کوشندگان کافی به نظر می رسید.

هیچ فاکتوری به روشنی بی اعتباری شتابان اتهامات دواپر دولتی فرانسه در برابر محاکم قضایی این کشور، علل و اهداف واقعی پیگرد مخالفان رژیم جمهوری اسلامی را توضیح نمی دهد. به جان خریدن آگاهانه ی ریسک یک شکست قضایی که بی گمان موجب افزایش اعتبار دستگاههای تحقیقاتی و بازپرسی دولت نمی گشت، نشاندهنده وجود اولویت‌های دیگری است که سازمان دهندگان عملیات مزبور را هدایت نموده و به مراتب سقف کوتاه تری از اهدافی همچون "امنیت ملی" یا "مبارزه با تروریسم" دارد.

تلاش دولت فرانسه برای به دست آوردن رضایت منفعت بخش حکومت جمهوری اسلامی، نگاه آن را متوجه یک امکان ساده و همزمان موثر، یعنی اپوزوسیون ملاها متوجه گردانده بود. موقعیت اجتماعی اعضای این اپوزوسیون که به عنوان پناهندگان سیاسی و شهروندان خارجی در فرانسه حضور دارند، آنان را به هدفی در دسترس تبدیل می ساخت که

یک دگرگونی ژئوپولیتیک در منطقه، به گونه نامنتظره ای امکانات جدیدی را در این پهنه به ارمان آورد. حضور نظامی ایالات متحده در افغانستان و آسیای مرکزی و جهت گیری آشکار آن به سمت کنترل انحصاری خاورمیانه، به ناگاه برای رقبای اروپایی آمریکا، جمهوری اسلامی را به عنوان یک وسیله ی کارساز در جلوگیری از یکجانبه نگری غیردوستانه ی کاخ سفید فراز داد. این رویکرد به گونه روشن با سیاست پیشین اتحادیه اروپایی که بیشتر پیرامون روابط بازرگانی متمرکز گردیده بود، تفاوت داشت و از همین رو نیز پیگیری و عملی ساختن آن به پیش زمینه های دیگری نیاز پیدا می کرد. اکنون برای جمهوری اسلامی یک موقعیت رویایی فراهم آمده بود تا برای ثبات بخشیدن به خود، بر برسمیت شناخته شدن به عنوان یک عضو معتبر کلوپ پای بفشارد و مشام شریکان اروپایی که همواره مشکل



بویانکی رژیم ملاها را با حفظ فاصله ای مطمئن چاره می جستند، به چالش بطلید. در گذشته نیز موضوع اپوزوسیون جمهوری اسلامی یکی از محورهای دایمی بحث در گفتگوهای دو یا چند جانبه ی کشورهای عضو اتحادیه اروپایی و ملاها بود، اگرچه جز در موارد استثنایی، سماجت ملاها با بی اعتنائی پاسخ گفته می شد. موقعیت جدید، میزان آمادگی نامزدهای قطب جدید جهانی برای شنیدن شکایتها و دلنگرانیهای جمهوری اسلامی را به میزان توجه پذیری افزایش می داد. حقیقتی که با قرار گرفتن نام سازمان مجاهدین خلق در لیست گروههای تروریستی اتحادیه اروپایی، ماهیتی مادی نیز پیدا کرد. مجاهدین به دلیل آنچه که تا گاه کوتاهی پیش از این آنها را به در چشم و نظر محافل

لشگرکشی پلیسی - رسانه ای "جمهوری پنجم" در حومه ی شهرپاریس، در کادر استراتژی جدید جمهوری اسلامی در برخورد به مخالفانش، جایی در راس هرم قرار داشت. از هنگامی که که مسیر رفت و آمد تیمهای ترور و بمب گذاری که در دهه های شصت و هفتاد (شمسی)، سیاست داخلی ملاها برای خاموش ساختن مخالفان را به آن سوی مشخص گسترش می دادند، با موانع مشخص عملیاتی روبرو گردید، یافتن روشهای جدیدی برای پی گیری این هدف، بخشی از دلنگرانیهای دایمی آنها را تشکیل می داد. درست در همان زمانی که به نظر می رسید در ازای تیغ سرکوب از مرزکشورهای همسایه (عراق، ترکیه، پاکستان) فراتر نرود،

قدرتمند سیاسی در کشورهای گوناگون نیمکره غربی به عنوان یک طرف گفتگوی با نفوذ اعتبار می بخشید، بر صندلی اتهام نشاندن شدند و فعالیت‌های آنها که به همین صورت اغلب پشتیبانی و همبستگی همین محافل را به همراه داشت، به یکبارها با ویژگی "تروریستی" متمایز گردید.

طبقه بندی ارادی و مصلحت اندیشانه ی سازمان مجاهدین توسط اتحادیه اروپایی، در پیچه ی مسدود شده ی سرکوب در خارج از مرزها را یک باردیگر به روی جمهوری اسلامی گشود. اتهام سیاسی "تروریسم"، دستکم به گونه ی بالقوه، مسیر به جریان انداختن پیگردهای قضایی علیه فعالیت مجاهدین به طور کلی و رهبران و اعضای آن را به طور مشخص هموار می ساخت. وظیفه ی ششول بندها و قمه کشهای "ستاد عملیات برون مرزی" ملاها، -اگرچه نه با همان تاثیراتی - می توانست به ارگانها و ابزارهای قانونی کشورهای میزبان مخالفان سپرده شود.

نخستین آزمون در این گستره، بدون آنکه به تامل زیادی نیاز داشته باشد، می توانست فرانسه به عنوان یکی از مراکز گردهمایی سنتی اپوزوسیون باشد. بازداشت خانم مریم رجوی، یک شخصیت شناخته شده و پرنفوذ اپوزوسیون، برای استبداد مذهبی حاکم بر ایران بدان اندازه اهمیت داشت که استراتژی جهان گسترانه ی "موتور سیاسی اروپا" را با قراردادهای چند میلیاردی یورویی روغن کاری کند.

کمدی رقت باری که با وجود به میدان افکنده شدن تمام وزن دستگاه دولتی و امنیتی فرانسه به سود آن، تنها موضوع ریشخند آمیز در آن، حیثیت این دستگاهها و اقتدار دستیارانشان در "ام القرا" بود و عمر آن بیش از فاصله کوتاه افق دید دولت فرانسه و نوک دماغش نیاید. محاکم قضایی فرانسه، پرونده سرهم بندی شده ی آقای بروبیگر و روسایش را بازگشت داده و آرای که اینان با شتابزدگی و به منظور تزئین عملیات اورسورواز علیه شماری از اعضا و هواداران مجاهدین وضع نموده بودند را باطل اعلام کردند.

بادکنک "تروریسم" که نفس امنیت ملی دو حکومت آن را متورم ساخته بود، به همان سرعتی که به هوا فرستاده شده بود، به زیر آمده و در انتها جز ایجاد مزاحمت و کارکردی در حد موی دماغ، تاثیری به جا نگذاشت. با

بقیه در صفحه ۵



## سرمقاله .....

## سالروز گشایش یک

## جبهه ی دیگر

بقیه از صفحه ۴

این وجود، این هنوز بدان معنا نیست که رژیم ملاحا سورخ داعی که یافته است را رها کرده و خاطر خویش را با جستجوی راههای دیگر صدور سرکوب می آزارد.

همانگونه که چاله جمهوری اسلامی بر سر راه گاوچران تگزاسی و رمه مکانیزه اش برای کشورهای عضو اتحادیه اروپایی عمقی استراتژیک یافته است، به همان اندازه نیز راهبرد حذف یا دست کم بی اثر ساختن اپوزوسیون از طریق امتیازاتی که این موقعیت به دامان ملاحا افکنده است، نزد آنان حیاتی و استراتژیک انگاشته می شود. بهره گیری از تفسیرهای ماکیاولیستی و گشاده دستانه از مفاهیمی مانند "تروریسم"، "منافع ملی" و "قانون"، در این میان حکومت اسلامی را به طرح و راه اندازی پروژه های جدیدی تشویق نموده است که آخرین آن را در پرونده سازی علیه شماری از اعضای اپوزوسیون مقاومت و طرح شکایتیهای نزد پلیس بین الملل و دادگستری فرانسه می توان مشاهده نمود.

در دیگر سو، رژیم جمهوری اسلامی، تحت ویژگیهای مشابهی، همین سیاست را علیه اعضا و هواداران سازمان مجاهدین در عراق به پیش می برد. آویخته شدن تیغ استرداد به جمهوری اسلامی و پیامدهای پیش بینی پذیر آن بر سر هزاران تن از نیروهای این سازمان در عراق، بیش از هر امر دیگری، ریشه در یک موقعیت بادآورده و تغییر فاکتورهای تعیین کننده در این کشور دارد. رویکرد شورای حکومتی عراق که اندکی پس از گمارده شدن به کار، دستور اخراج مجاهدین را صادر نمود، یک مدل مینیاتوریزه شده از سیاستی را به نمایش می گذارد که پیش از این دولت فرانسه علیه مخالفان جمهوری اسلامی به کار گرفته است. روشن است که اقدام مزبور بیش از یک ژست سیاسی با هدف کاهش فشار جمهوری اسلامی در این زمینه نیست و هر راهکاری پیرامون وضعیت حقوقی مجاهدین در عراق، در انتها فقط می تواند توسط تصمیم گیرندگان اصلی در این کشور، یعنی ایالات

متحده اتخاذ گردد. امری که خود تابع فاکتورهای متعددی در پهنه سیاست منطقه و فرایند تحولات آن است.

کانون محوری در این باره، همچون تجربه فرانسه، بستری است که اصولا امکان دست یازی به قهر ظاهرا قانونی علیه حقوق دموکراتیک شهروندان متشکل یا پراکنده این یا آن کشور را تحت عنوان "مبارزه با تروریسم" فراهم آورده است. بدون توجه به این عامل، نقد و برخورد با سیاستهای مشخصی که بر پایه آن و به منظور تامین اهداف مقطعی اتخاذ می گردند، به هیچ رو کارساز و نتیجه بخش نخواهد بود. اشتباهی مهلک خواهد بود هرگاه مانور پیرامون این سیاستها، به جایگاه تنها خط مشی غالب برای خنثی سازی داعیه ی پوچ "تروریسم"، فرزاداده شود. برآمد مادی راهکاری از این دست، درآمدن به گروگان سیاستهایی است که مستقل از درونمایه ی عمیق ریاکارانه و ضد دموکراتیک آنها، به سبب ماهیت ابزاری و مشروط، حتی از منظر پراگماتیستی نیز فاقد هرگونه ارزش عملی در جهت باز تعریف جایگاه "متهمان" می باشد.

اغتشاش آگاهانه در کاربرد واژه "تروریسم"، در جوهره ی خود هدفی سیاسی را پی می گیرد که فشرده آن را می توان در یک جمله بیان نمود و آن رویارویی قهری با هر شکلی از مقاومت یا بحران، مستقل از زیربنای آنهاست. براین اساس، به عنوان مثال - آنگونه که جنوا (ایتالیا) نشان داد - حتی حفاظت از تظاهرات هم می تواند با برجسب تروریستی آذین گردد. در اینجا لگدمال شدن حق پایه ای اعتراض توسط یک تعریف اراده گرایانه ی متکی به قهر دولتی، تنها بخشی از گوهره این سیاست تهاجمی را به نمایش می گذارد. هسته ی اصلی در تبیین حرکت مزبور، در علائق و منافی نهفته است که کنفرانس جی ۸ یا اتحادیه اروپایی یا ایالات متحده، تامین و پاسداری عربان از آن را به هر قیمت و با هر ترفند قانونی یا غیرقانونی، در صدر وظایف خود قرار داده اند.

دفاع از حق مشروع مقاومت یا خواست بهره مندی از حقوق از صراحت یافته در پیمانهای بین المللی، نیازمند نگاه فراگیر به مجموعه ای است که برای نقض این ارزشها قد برافراشته است. در این رابطه تفکیک مصنوعی میان میان اهداف و متد و تمرکز جداگانه پیرامون یکی از آنها، نمی تواند واقعی و مفید باشد. به چالش گرفتن انحصاری مبنای حقوق اتهام "تروریسم"، زمینه های عینی که دگنگ مزبور بر پایه آن تراشیده شده و در خدمت آن به

کارگرفته می شود را نادیده می گیرد. امری که از یک سو به دلیل میدان گشاده تفسیر از این مفهوم و دست باز مفسرین آن در به کارگیری اش، ورود به یک پروسه ی بی انتها ی حقوقی با نتایج مبهم را در پی خواهد داشت. از طرف دیگر، خطر آن است که تمرکز یک سویه بر این زاویه از موضوع، سبب به حاشیه رانده شدن علل نهایی آن و از این طریق، بی آزار یا حتی بحث پذیر جلوه دادن آن گردد.

به همین گونه، مطلق نمودن راهکار به کشاکش در پهنه ی استراتژیها و جهات نهایی که مقصود وضع کنندگان "تروریسم" به سمت آن به حرکت درآمده است، به ویژه برای نیرویی که هم اکنون بر صندلی اتهام نشاند شده و با پیامدهای آن به گونه یی بی واسطه ای روبرو است، رویکردی رهگشا و واقع بینانه به شمار نمی رود.

نگاه فراگیر به هر دو بخش سیاست تهاجمی مورد بحث و شناخت پیوندهای انکارناپذیر آن، در عمل به مفهوم مبارزه و واکنش فعال در کلیه پهنه هایی است که این سیاست بر آنها تاثیر می گذارد و حضوری محسوس دارد. این می تواند یک مجموعه از تلاشهای سازمان یافته برای بسیج نیروی اجتماعی مخالف یا برانگیختن آن به ابراز همبستگی فعال، حرکت در جهت تغییر شرایط ساختاری و سیاسی خود به منظور به دست گرفتن تدابیری که توانایی حرکت در چارچوب دگرگون شده را ممکن سازد و سرآخر به پیش بردن کارزارهای هدفمند در پهنه های حقوقی که گستره ای از حقوق سیاسی اخص تا شهروندی عام و حقوق بین الملل را شامل گردد، دربرگیرد.

۱۷ ژوئن، سالروز گشایش یک جبهه ی دیگر علیه منافع مردم ایران و حق مسلم آنها در مبارزه علیه استبداد مذهبی حاکم، حاشیه ای است که سرکوب و قهر دولتی در اروپا، در جمهوری اسلامی و در عراق بر تاریخ کشورما افزوده است. تاریخ را اما نه حاشیه نویسان که تاریخ سازان می نگارند.

## «مقاومت در برابر فاشیسم

## مذهبی حق است»

زینت میرهاشمی

هزاران آزادیخواه و مدافع حقوق بشر در همایش سالگرد ۱۷ ژوئن در شهر اورسوراواژ فرانسه شرکت کردند.

در ۱۷ ژوئن سال گذشته، دولت فرانسه پس از بستن قرارداد تجاری در تاریخ ۱۲ ژوئن با رژیم ایران، حمله گسترده و وحشیانه ای به محل اقامت خانم مریم رجوی و اعضای سازمان مجاهدین خلق در اورسوراواژ نمود. طی این یورش، خانم مریم رجوی همراه با حدود ۱۶۰ نفر از اعضا و هوادارن مقاومت ایران دستگیر شدند. این اقدام دولت فرانسه هدیه ای به رژیم بنیادگرایی ایران بود.



در ساگرد ۱۷ ژوئن، بار دیگر هزاران ایرانی بر حق مبارزه علیه استبداد، و مبارزه برای آزادی و دموکراسی تاکید کردند.

در همایش ۱۷ ژوئن در اورسوراواژ، تعدادی از وکلا، شخصیتهای مدافع حقوق بشر و فعالان سیاسی از ملیتهای مختلف سخنرانی کرده و عمل دولت فرانسه را محکوم کرده و حمایت خودشان را از مقاومت ایران اعلام کردند.

خانم مریم رجوی در گردهمایی ۱۷ ژوئن با اشاره به آنچه در سال گذشته اتفاق افتاد از مردم فرانسه و آزادیخواهان و مدافعان حقوق بشر از سراسر جهان که آنها را یاری و حمایت نمودند تشکر کرد و گفت «مقاومت در برابر فاشیسم مذهبی حق است»

خانم مریم رجوی در بخشی از سخنان خود گفت: «اگر مقاومت برای آزادی ایران جرم محسوب می شود، من با افتخار تمام اعلام می کنم که حاضرم تمام عمرم را در پشت میله های زندان سپری کنم ولی از مقاومت برای آزادی کوتاه نخواهم آمد.»

## چالشها و راهکارهای جنبش کارگری

## رویدادهای جنبش کارگری در خرداد ماه

زینت میرهاشمی

ریسندگی و بافندگی کاشان در آستانه تعطیلی قرار دارد. کارخانه ریسندگی و بافندگی کاشان که قبلا از بزرگترین کارخانه های ریسندگی کشور محسوب می شد در سالهای اخیر کارگران خود را از ۵ هزار و ۴۰۰ نفر به ۲ هزار و ۷۰۰ نفر تقلیل داده است.

شرکت «صنایع شمس» که در تولید پتو فعالیت داشت با تاثیر از رکود و بحران در صنایع نساجی، حدود ۲ سال است که تعطیل شده است. کارگران شرکت فوق پس از ۲ سال در بلاتکلیفی به سر برده و مطالبات خود را دریافت نکرده اند.

شرکت الکتریک ایران - رشت، سومین واحد تولیدی بزرگ در استان گیلان با ۴۵ سال سابقه فعالیت منحل شد و به دنبال سیاست خصوصی سازی به حراج گذاشته شد.

به گزارش ایرنا ۲۴ خرداد، «همه روزه» بیش از ۵۰۰ کارگر زن و مرد با اجتماع در مقابل درب اصلی و محوطه داخلی شرکت الکتریک ایران - رشت، به عملکرد مسئولین ذیربط اعتراض نموده و خواستار رسیدگی به بلاتکلیفی و حق و حقوق معوقه خود پس از سالها کار و تلاش می شوند.

آقای سیدحسین قربانی رئیس سابق شورای کارگران شرکت الکتریک گفت: «زمانی شرکت بیش از یکهزار نفر پرسنل داشت که عده ای بازنشسته، عده ای مشمول سختی کار و جمع کثیری از کارگران نیز به علت مشکلات موجود ناچارا خود را با خرید کردند. در حال حاضر بیش از ۵۴۰ نفر کارگر بلاتکلیف هستند، و عده زیادی هم که خود را با خرید کرده بودند علیرغم وعده و وعید حدود یکسال است که حق و حقوق آنها را هم پرداخت نکرده اند.»

یکی از کارگران قدیمی شرکت با اظهار نگرانی از وضعیت پیش آمده می گوید: «پنج ماه است کارخانه بدون دلیل تعطیل شده و اکنون نیز به این وضعیت دچار شده است، و ما هنوز نمی دانیم تکلیفمان چیست نه تنها حقوقی دریافت نکرده ایم بلکه جواب قانع کننده ای نیز نشنیده ایم.»

کارخانه نساجی رحیم زاده در اصفهان تعدادی از کارگران خود را اخراج کرده

تبدیل قراردادهای استخدامی دائمی به قراردادهای پیمانی و موقتی، تعطیلی و رکود بخشهای تولیدی و در نتیجه بیکار شدن کارگران، از جمله مشکلاتی است که در ماه گذشته رویدادهای کارگری را تحت شعاع قرار داده است. رکود، و به دنبال آن تعلیق و تعطیلی چرخه تولید در بخشهای قابل توجهی از صنعت ایران مثل نساجی، منجر به آسیب پذیری هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان و مزدبگیران شده است. در سالهای اخیر رکود و بحران در بخشهای نساجی آغاز و به مرور به بخشهای دیگر کشیده شد.

۲ هزار کارگر معدن زغال سنگ کرمان در آستانه بیکاری قرار دارند. معادن زغال سنگ کرمان، بیش از ۳۰۰۰ کارگر دارد که «شرکت ملی فولاد ایران» به عنوان مالک این کارخانه، تصمیم به تعطیل آن گرفته است. اکثر کارگران کارخانه فوق، قراردادی هستند که از مزایای قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور و بیمه بیکاری برخوردار نخواهند شد.

عباس کاربخش دبیر اجرایی خانه کارگر کرمان، در مورد چرخه تولید کارخانه معادن زغال سنگ کرمان به خبرنگاری ایرنا می گوید: «این معادن در زمان قبل از پیروزی انقلاب، بیش از ۱۷ هزار کارگر داشته که همگی مشمول قانون کار بوده اند؛ اما متأسفانه در سالهای پس از جنگ، ضمن تعدیل نیرو و خصوصی سازی، بخش عمده این کارگران از مشمول قانون کار خارج و هم اکنون نیز تعداد آنها به ۳ هزار نفر کاهش یافته است.»

معادن «باب نیزو» و «اشکیلی» از جمله معادنی هستند که تعطیل شده اند و معدن بزرگ «پاپ دانا» با ۳۰۰۰ کارگر در آستانه تعطیلی قرار دارد.

در استان یزد، بر اساس یافته های آماری، بیش از ۵۰ واحد تولیدی یا تعطیل شده و یا با بحران روبرو هستند. ۵۴ درصد کارگران استان یزد قراردادی هستند که بیمه بیکاری شامل آنان نخواهد شد.

کارخانه نساجی «شرق آذر» با بحران جدی روبروست و در پی آن، کارگران این واحد تولیدی در نگرانی بیکاری به سر می برند.

برابر خانه کارگر قزوین دست به یک گردهمایی اعتراضی زدند. کارخانه کوراوغلی تولید کننده محصولات نساجی و در شهر صنعتی البرز واقع شده است.

کارگران شرکت صنایع «بافت طبس» روز چهارشنبه ۶ خرداد، در اعتراض به تعطیلی کارخانه و عدم پرداخت حقوقشان در برابر استانداری دست به گردهمایی زدند. شرکت فوق، در بافت گونی فعالیت داشته که در سال ۸۲ تعطیل شده است. کارگران شرکت صنایع «بافت طبس» علاوه بر عدم دریافت حقوق و مزایای خود در بلاتکلیفی به سر می برند.

۳۰۰۰ کارگر «کشت و صنعت مغان» روز جمعه ۸ خرداد، با بستن جاده پارس آباد به اردبیل، دست به گردهمایی اعتراضی زدند. کارگران معترض با پیمودن ۶ کیلومتر شعارهایی علیه وزیر جهاد کشاورزی و مدیر عامل شرکت سر دادند. اعتصاب کنندگان خواستار برکناری مدیر عامل و برخی از مدیران و پرداخت کلیه مطالبات و مزایای عقب افتاده خود شدند.

بنا به گزارش سایت «رویداد» (یکشنبه ۱۰ خرداد) «حدود ۳ هزار تن از کارگران و کارمندان این شرکت از روز چهارشنبه گذشته (۶ خرداد) در اعتراض به عدم تحقق خواسته های خود دست از کار کشیده و هر روز در مقابل درب ورودی شهرک غفاری پارس آباد تجمع برگزار می کنند.» شرکت «کشت و صنعت مغان» ۴۵۰۰ کارگر و کارمند ثابت ۱۵۰۰ کارگر اضافه در فصل کار دارد.

۵۰۰ نفر از کارکنان فروشگاههای زنجیره ای قدس، در اعتراض به عقب افتادن حقوق و مزایایشان روز یکشنبه ۱۰ خرداد در مقابل دفتر مرکزی این فروشگاه دست به گردهمایی زدند.

به گزارش ایرنا (۱۰ خرداد) محمود حسن لو، یکی از کارکنان فروشگاههای زنجیره ای قدس به دلیل ناتوانی در عدم پرداخت کرایه خانه خود سخته مغزی کرده و در بیمارستان بستری شد.

محمود حسن لو، با سابقه ۲۵ سال کار، ۱۳۰ هزار تومان حقوق دریافت می کرده است. وی روز جمعه ۱۵ خرداد در بیمارستان درگذشت.

کارگران «سد استور میانه» روز شنبه ۹ خرداد، در اعتراض به عدم دریافت ۳ ماه حقوقشان دست از کار کشیدند.

کارگران شرکت آلومینیوم اراک، با بقیه در صفحه ۷

است. به گزارش ایرنا (۲۶ خرداد) «کارگران اخراج شده یا به تعبیری تعدیل شده با استرس و اضطراب روبرو هستند. نداشتن امنیت شغلی، پرداخت نشدن سنوات کارگری، نداشتن بیمه بیکاری و یا تمام شدن بیمه بیکاری، نبود بازار کار در مواقع خاص و قبول نکردن کارگران در بخشهای دیگر این دسته از کارگران را عصبی کرده و باعث شیوع بیماری روحی- روانی در بین آنان شده است.»

فتحیان مسئول کمیته اشتغالزایی استان اصفهان گفت: «کارگران نساجی رحیمزاده ۶ ماه از حقوق سال ۸۱ را دریافت نکرده اند.»

کارگران بیکار شده شرکت چرم سازی «ساغری» در همدان که در صنعت پوست فعالیت می کرده است همچنان بیکار و بلاتکلیف هستند. شرکت فوق با ۱۲۱ کارگر در آبان ۸۲ تعطیل شده است.

در پی تعطیلی دستگاههای ریسندگی کارخانه نساجی کردستان، ۳۰۰ کارگر بی کار شده اند. ایرج بهرام نژاد دبیر اجرایی خانه کارگر استان کردستان در گفتگو با خبرنگاری کار گفت: «اگر در صنعت فعلی نساجی کردستان هر چه زودتر تحولی صورت نگیرد، این واحد صنعتی نیز به سرنوشت پیشینیان خود دچار خواهد شد.»

۳۰۰ کارخانه تولید نمک در تهران، در آستانه تعطیلی قرار دارند. به گزارش ایرنا (۳۰ خرداد) حسن ابراهیمی سرچشمه نماینده کارخانه های تولید نمک در تهران، گفت: «چنانچه برخوردی قاطع و عاجل برای رفع این مشکل صورت نگیرد، در آینده ای نزدیک شاهد تجمعات اعتراض آمیز از سوی کارگران کارخانه های تولید نمک خواهیم بود.»

۲۲۰ کارگر شرکت «خودرو لنت مشهد» به دلیل تعطیلی این شرکت بی کار شده و در بلاتکلیفی به سر می برند.

## اعتراضهای کارگری

کارگران کارخانه «پاک ریس» سمنان روز چهارشنبه ۶ خرداد دست به یک راهپیمایی به طول ۱۸ کیلومتر زده و طی یک گردهمایی خواستار دریافت حقوق بیش از ۵ ماه عقب افتاده خود شدند. کارخانه «پاک ریس» سمنان در سال ۸۲ کارگران خود را از ۲ هزار به ۸۰۰ نفر تعدیل کرده است.

کارگران «کوراوغلی» قزوین در اعتراض به عدم دریافت ۱۴ ماه حقوقشان روز چهارشنبه ۶ خرداد، در

## کودکان کار، ابزار ایجاد درآمد به مناسبت روز جهانی کودک

زینت میرهاشمی

روز دوازدهم ژوئن روز جهانی مبارزه علیه کار کودکان، استعمار شدگان مضاعف است. کودکان از یک سو در اثر فقر و بی عدالتی و برای تامین هزینه خانواده های فقیر خود تبدیل به ابزاری برای ایجاد درآمد می شوند و از طرفی دیگر در

بخشیدن به فقر است"، "آنکه فردا در مشت اوست، امروزش را از تو می خواهد"، "ما قربانیان بی صدا هستیم - صدای ما را بشنود"، "بچه ها نباید کارکنند" و "کودکی، دوران بدون بازگشت زندگی انسان است" کودکان کار و کودکان خیابانی از جمله دستاوردهای بی عدالتی، فقر و نابرابری هستند. گستردگی رنج و شکنج کودکان کار با عمیق شدن فاصله فقر و ثروت جامعه ارتباط مستقیم پیدا می کند.

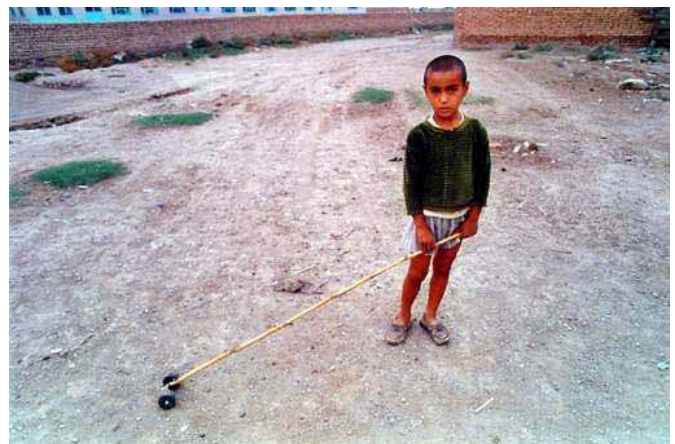
کودکان کار در ایران به دلیل ساختار نظام



پدرسالارانه و فقدان قوانین لازم و حمایتی، مورد استثمار بی رحمانه ای قرار دارند. سیاستهایی که تاکنون از طرف دولت در برابر کودکان کار و خیابانی انجام شده است نه تنها بهبودی در وضعیت کودکان و خانواده های آنها حاصل نشده است بلکه موجب فرار کودکان از شکار ماموران شده است. تعدادی از آنها که توسط ماموران رژیم جمع اوری می شوند به خانواده هایشان تحویل داده می شوند. جمع آوری شدگان روز بعد دوباره برای کار در خیابان رها می شوند.

فقر از عوامل اصلی کشیده شدن کودکان به کار است. مبارزه برای جلوگیری از کار کودکان با مبارزه علیه فقر و بی عدالتی پیوند می خورد. ایجاد حداقل حمایت های اجتماعی، بیمه های بیکاری، حمایت از فرزندان خانواده، آموزش رایگان و اجباری، کمک تحصیلی،

ایجاد قوانین حمایت از کودکان، ایجاد پناهگاههایی برای کودکان تحت ستم قرار گرفته ... از جمله راهکارهایی است که در بهبود وضعیت کودکان فقیر تاثیر گذار است.



دیگر مصوبات بین المللی برای حمایت از حقوق کودکان، به ویژه کودکان کار و خیابان» در ایران شدند.

در بخشی از پلاکاردهای تجمع کنندگان شعارهای زیر به چشم می خورد: "آموزش، رمز پایان

## چالشها و راهکارهای جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۶

تقاضای «افزایش سود تولید و ۵ در صد مدیریت» دست به تحصن و اعتصاب زدند. بر اساس گزارش ایسنا، کارگران شرکت فوق، ۴ روز است که در تحصن و اعتصاب به سر برده و این اعتصاب هر روز افزایش یافته طوری که روز یکشنبه ۱۷ خرداد، تعداد کارگران اعتصابی به ۶۰۰ نفر رسیده است.

تعدادی از کارگران راه آهن شهرستان اندیمشک روز چهارشنبه ۲۰ خرداد در اعتراض به عدم دریافت طلب حق محرومیت و حق جنگی خود در برابر ناحیه راه آهن اندیمشک دست به گردهمایی اعتراضی زدند.

کارگران کارخانه قند دزفول، از صبح چهارشنبه ۲۷ خرداد در برابر ساختمان مجمع تشخیص مصلحت نظام دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارخانه مدت ۹ ماه است که تعطیل شده و ۷ ماه است که کارگران آن هیچ حقوقی دریافت نکرده اند. کارخانه قند دزفول، قبل از واگذاری به بخش خصوصی، از بزرگترین کارخانه در منطقه خاورمیانه با ظرفیت ۵ هزار تن قند در روز و تولید ۵۰۰ تن شکر در روز بوده است.

رای دیوان عدالت اداری در رد بیمه بیکاری برای کارگران قراردادی در حالی که در اثر سیاستهای تعدیل و خصوصی سازی، به شمار کارگران قراردادی افزوده می شود، دیوان عدالت اداری رای به «محقق نبودن کارگران قراردادی در خصوص دریافت بیمه بیکاری» داده است.

خانه کارگر استان گیلان در بیانیه ای در اعتراض به رای دیوان عدالت اداری مبنی بر

محرومیت کارگران قراردادی از بیمه بیکاری، اعلام داشت که: «مگر کشور ما عضو سازمان بین المللی کار نیست. در کشورهای عضو این سازمان، به کارگرانی که به هر نحو بی کار شده باشند، بیمه بیکاری پرداخت می کنند، ضمن این که در اکثر این کشورها به افرادی که مشغول به کار نباشند نیز تا زمان اشتغال مقرر بیمه بیکاری داده می شود.» وی گفت: «کارگران قراردادی همانند سایر کارگران، ۳ درصد از حقوق خود را به عنوان بیمه بیکاری به حساب سازمان تامین اجتماعی واریز می نمایند در حالی که با از دست دادن کارشان از بیمه بیکاری محروم می باشند.

رزاق صادق، قائم مقام سازمان تامین اجتماعی در گفتگو با ایسنا در رابطه با رای دیوان عدالت اداری مبنی بر رد بیمه بیکاری برای کارگران قراردادی گفت: «حدود سه میلیون این حق بیمه را پرداخت می کنند و توان صندوق تامین اجتماعی تنها ۱۰۰ هزار نفر را پوشش می دهد.»

رجبعلی شهبواری، رئیس اتحادیه کارگران قراردادی در اعتراض به رای دیوان عدالت اداری در گفتگو با ایسنا (یکشنبه ۱۷ خرداد) گفت: «بیش از ۶۰ درصد کارگران کشور به صورت قراردادی فعالیت می کنند. با این رای دیوان این گروه اکثریت به نوعی از پوشش حمایتی قانونی محروم می شوند.»

شرایط کارگران قراردادی، محروم شدن آنان از بیمه بیکاری، فشار بر کارگران قراردادی و بیکار کردن آنها .. از جمله چالشهای جنبش کارگری با کارفرمایان و دولت در ماه آینده خواهد بود.





## جهان در آینه مرور

## جنبش حقوق بشر، جنبشی جهانی عصر کنونی

لیلا جدیدی

## درآمد

انسان جهان مدرن، هر روز بیش از گذشته به حقوق خود آگاه می‌گردد. آنچه که در گذشته امری طبیعی به شمار می‌آمد مانند برده داری، نژادپرستی و آپارتاید، تبعیض جنسی و ملی و غیره، اینک نقض حقوق دمکراتیک شمرده می‌شود. سرچشمه مبارزات آزادیخواهی و عدالت طلبی مردم جهان و انقلابهایی که به پیروزیهای چشمگیری نیز دست یافتند، همواره جستجو برای شناخت و آشنایی روزافزون انسانها با حقوق خود بوده است. با این حال، نقض حقوق بشر در برخی برهه های تاریخی، به گونه ویژه ای شدت و حدت یافته است. در سال گذشته و همچنین سال جاری، "جنگ علیه ترور" و جهانی سازی، تاثیرات قابل تاملی در نقض حقوق بشر داشته اند. در مقابل، جنبش حقوق بشر بیش از هر زمانی شکل جهانی به خود گرفته و میلیونها نفر از مردم جهان، زیر پرچم این جنبش دوش به دوش هم قرار گرفته اند. نوشتار زیر شامل بررسی گزارشاتی از سازمانهای مدافع حقوق بشر در تاثیرات انسانی و اجتماعی "جنگ علیه ترور" و گزارشاتی از نهادهای مالی جهانی که نمایانگر تاثیرات جهانی سازی در گسترش فقر و رو به وخامت گذاشتن وضعیت حقوق بشر است، می باشد. در ۲۶ ماه مه سال جاری، سازمان عفو بین الملل در گزارشی ۳۳۹ صفحه ای، انواع متفاوت نقض حقوق بشر را در کشورهای سراسر جهان شرح داده است. بنا به گزارش این سازمان، نقض حقوق بشر، با نقض حقوق دمکراتیک مردم از سوی کشورهای که به نام "جنگ علیه ترور" به دخالت در سرنوشته آنها پرداخته اند و مبتکران ایالت متحده آمریکا است، همراه بوده است. سازمان مذکور، بخش وسیعی از این گزارش را به جنگ علیه عراق و افغانستان از سوی دولت بوش اختصاص داده است. خانم آیرین خان، دبیر کل سازمان عفو بین الملل، در این باره می گوید، دولت بوش با نقض حقوق دمکراتیک مردم در آمریکا و جنگ افروزی در عراق و هرزمانی که مایل بوده است "به عدالت و آزادی لطمه وارد کرده و

بین الملل به آنها پرداخته است. این سازمان اعلام می کند، در سال ۲۰۰۳، ۶۵ نفر در این کشور شامل مجازات اعدام گردیده اند که این شمار، تعداد اعدام شدگان را از سال ۱۹۷۶، به ۸۸۵ نفر رسانده است.

ناگفته نماند که تعدادی از افراد اعدام شده، مجرم واقعی نبوده اند و این تنها پس از جانباختن آنها مشخص شده است. اکثر آنان را افراد فقیر یا سپاهپوستانی تشکیل می دهند که دسترسی به حق گرفتن وکیل مدافع را نداشته اند. برخی از افرادی که اعدام شده اند، هنگام ارتکاب به جرم به سن قانونی نرسیده بودند. اقدامی که در سطح جهانی، سیاستی شرم آور شناخته شده و جز کشورهای و دولت‌های عقب افتاده ای مانند جمهوری اسلامی در ایران، کمتر دولتی از آن پیروی می کند.

پایامد های اسف بار "جنگ علیه ترور"، نقض حقوق بشر در سایر نقاط جهان را نیز به همراه داشته است. بسیاری از کشورها به بهانه حمایت از این سیاست، شهروندان خود را مورد آزار و شکنجه قرار داده اند. گزارش سازمان ملل در این رابطه، از کشورهای چین، هند، مالزی، پاکستان و تایلند یاد کرده است. دولت پاکستان، صدها نفر را به دست ایالت متحده آمریکا سپرده که توسط این کشورهای زندان گوانتانامو گشته اند.

در هند، دولت شووینستی هندوها، صدها مسلمان را با برچسبهای "تروریست"، "جدایی طلب"، "مذهبی تند رو" و "ضد دولتی" بازداشت و زندانی کرده است.

در استرالیا، در ماه ژوئیه، قانونی به اجرا در آمد که طی آن به دولت حق دستگیری هر فردی را که گمان برده می شود اطلاعاتی از تروریستها در دست دارد، داده شده است. این افراد حتی از حق گرفتن ارتباط با خانواده های خود نیز محروم گشته اند.

در اروپا نیز همین سیاست به پیش گرفته شده است. ۱۴ نفر با ملیتهای غیراروپایی، تحت نام "اقدامات ضد تروریستی و امنیتی"، پس از ماهها دستگیری هنوز در بازداشت به سر می برند. عفو بین الملل در این باره می گوید: "در درستی اعترافات نیز تردید وجود دارد زیرا آنها تحت شکنجه بدست آمده اند."

در فرانسه، قوانین جدیدی تحت نام "حفاظت و امنیت داخلی" تدوین شده است تا شهروندان عادی که در فعالیتهای مانند گردهم آییها شرکت می کنند، بتوانند مورد سوال قرار گیرند. طرح پیشنهادی ممنوعیت پوشیدن

روسری در مدارس فرانسه که در سال ۲۰۰۳ پیشنهاد شده بود، در سال ۲۰۰۴ تصویب و به اجرا درآمد. سازمان عفو بین الملل در این باره می گوید: "این اقدام که به منظور مبارزه با مسلمانان تند رو صورت گرفته، با نقض حقوق دمکراتیک عده ای دیگر همراه شده است."

در اسپانیا، پس از ۱۱ سپتامبر، قانونی به اجرا درآمده که طی آن به دولت درستی با جدایی طلبان باسک قدرت بیشتری داده و به آن اختیاری دهد، تحت نام "ضد تروریسم"، با بسیاری از زندانیان بد رفتاری کرده و آنان را تحت شکنجه قرار دهد.

در آلمان، مانند آمریکا و بسیاری از کشورهای شکنجه زندانیان و بازداشت شدگان، تحت عنوان نگهداری در شرایط "ویژه"، قانونی گردیده است. در خاورمیانه، آنچه که "جنگ علیه تروریسم" خوانده شده، به بهانه ای برای زیر پا نهادن حقوق انسانها تبدیل گشته است. اعضای اتحادیه کشورهای عربی، کنوانسیون خود را به مبارزه علیه تروریسم اختصاص داده و یک نهاد مشترک امنیتی تشکیل دادند. توسط پیمان مزبور، افرادی از کشوری به کشوردیگراسترداد داده شده اند. گزارش عفو بین الملل در این باره می گوید: "این حرکت بدون طی مراحل قضایی و حضور مشاوران قانونی و گذراندن مراحل پناهندگی صورت گرفته است."

کشورهای دیگری مانند مراکش و تونس، قوانینی در این زمینه وضع کرده اند که پایه ای ترین حقوق انسانها را مورد تهدید قرار می دهد. در همین راستا، دولت اسرائیل نیز حملات خود علیه مردم فلسطین را شدت بخشیده است. در گزارش مذکور آمده است: "شکنجه، زندانی ساختن، استفاده از فلسطینیها بعنوان حصار انسانی، قطع کمکهای امدادی به زخمی شدگان و وسعت بخشیدن به تخریب منازل مسکونی از جمله اعمالی است که جنایت جنگی به حساب می آید." بقیه در صفحه ۹



## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۸

"جنگ علیه ترور"، به منظور صحنه گذاشتن بر روشهای نادرست و غیر انسانی که با استانداردهای بین المللی در تضاد است، به دست گرفته شده است. گزارش سازمان عفو بین الملل تنها بخش کوچکی از این واقعیت را مطرح نموده است با این حال، این گزارش گستردگی نقض حقوق دمکراتیک و انسانی هزاران نفر در سراسر جهان را به نمایش می گذارد و ادعای بوش مبنی بر دفاع از دمکراسی و آزادی را کاملاً باطل می کند. دولت بوش همراه دیگر دولتهای غیر دمکراتیک جهان، دست به دست یکدیگر داده تا برای پیشبرد منافع خویش، از فرصت طلایی بدست آمده بهره وری کند. اما همزمان، تظاهرات و اعتراضات گسترده مردم سراسر جهان علیه این سیاستها که دفاع از حقوق بشر را فصل مشترک خود قرارداده است، به یکدیگر پیوند خورده و تمامی جنبشهای دیگر را به زیر پرچم جنبش برای تامین حقوق بشر جای داده است. روزیکشنبه ۲۲ ماه مه، هزاران نفر در شهر لندن، علیه جنگ آمریکا و متحدینش در عراق، به تظاهرات گسترده ای دست زدند. در این تظاهرات، پدر نیک برد (گروگان آمریکایی که در برابر دوربین تلویزیون سر بریده شد)، آقای مایکل برد، نیز شرکت داشت. او جورج بوش را مسئول قتل فرزندش خواند و گفت، اگرچه رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا، "مسئولیت" تحقیر و شکنجه زندانیان را در زندان نظامی عراق به عهده گرفته است اما برای اعمالی که انجام داده تنبیه نگشته و از این رو، مسئولیتی را نیز عهده دار نشده است. او گفت، زمان آن رسیده است که دولت آمریکا تعیین تکلیف کردن برای دیگران را کنار بگذارد و اضافه کرد که سلاحهای کشتار جمعی در کاخ سفید هستند. او همچنین گفت: "اکنون دولت بوش دست به اقداماتی زده است که تأثیرات جهانی برجای گذاشته است. از این رو، مردم دو سوی اقیانوس اتلانتیک باید بگویند که دیگر تحمل ندارند و خواستار صلحی فوری و سریع هستند." در این تظاهرات، دیگر سخنرانان پیرامون حوادث اخیر در اسرائیل و

فلسطین صحبت کردند. یکی از سخنرانان گفت: "بربریت آمریکا در عراق، دست شارون را در قتل عام مردم غزه بیش از گذشته گشوده است." اگرچه پیرامون قتل نیک برد در عراق نظریات متعددی وجود دارد و برخی معتقدند که او جاسوس آمریکا بوده و به همین دلیل پس از کشف این موضوع به دست عراقیها کشته شده است و برخی دیگر معتقدند که او از جانب مامورین بوش به قتل رسیده است اما پدراو صرف نظر از تئوریهایی موجود و بر پایه شناختی که از فرزندش داشته، مقصراً در هر شرایطی، در نتایج سیاستهای دولت آمریکا می بیند. آنچه که صحت این ادعا را بیشتر اثبات می کند، گفته های روز سه شنبه (۱۵ ژوئن) ژنرال زانت کارپینسکی که ۸۰۰ پلیس را در عراق تحت مسئولیت داشت می باشد. او که اکنون متهم به بی توجهی به وضع زندانها و عدم تنبیه افراد تحت فرماندهی خود در زندان ابوگریب شده است، در یک مصاحبه با رادیو بی بی سی گفت، او تنها یک قربانی برای کسانی که در شکنجه زندانیان عراق دست داشته اند، می باشد. وی افزود، ژنرال ارشد، جفری میلر، که قبلاً مسئول بازداشتگاه گوانتانامو بوده است و برای گرفتن اعتراف از زندانیان ابوگریب به آنجا آمده، به او گفته است "باید با زندانیان مثل یک سگ رفتار کرد." او در دفاع از خود گفت: "من هم به اندازه دیگران از شنیدن اخبار شکنجه شوکه شدم." او گفت که بازجویی از زندانیان جزو وظایفش نبوده است بلکه توسط یک واحد اطلاعاتی ارتش انجام می شده است که برای گرفتن اطلاعات، شدیداً تحت فشار قرار داشتند. این که اعمال شکنجه دستوری از بالا بوده است، امری بدیهی می باشد که اکنون سعی می شود با تحت محاکمه قراردادن یک یا دوماهه پایین رتبه، از پاسخگویی بدان سرباز زده شود. دونالد رامسفلد که از سوی مجلس نمایندگان آمریکا پیرامون شکنجه زندانیان ابوگریب مورد پرسش قرار گرفته بود، بی آنکه از نظر قانونی موظف باشد در باره موضوعات کاملاً سری سخنی بگوید، گفت که او "هرچه می دانسته گفته است." اما طی چندین مصاحبه با ماموران سابق و فعلی سازمان سیا، یک مقام بلند پایه این سازمان درباره سخنان رامسفلد اظهار داشت: "بعضیها تصویری کنند می توانند سرهمه را کلاه بگذارند" ماموران مذکور ادعا می کنند که رامسفلد تمامی این عملیات را از شروع تا انتها برنامه

ریزی کرده است. موفقیت برای دولت بوش تنها در چارچوب دستگیری ۵۵ تن از اعضای بلند پایه رژیم صدام که عکسهای آنها بصورت کارتهای بازی چاپ شده بود، مفهوم می یافت. از این رو حتی همسران و زنانی که از طریق با مردان زندانی بستگی داشته اند را نیز بازداشت و به زندان انداخته اند. پیرامون این حرکت، پایگاه خبری حقوق بشر زنان در سایت اینترنتی خود گزارشی را انتشار داد که طی آن می گوید: "اکثر مطالبی که پیرامون بد رفتاری و شکنجه با زندانیان عراقی در رسانه ها به چاپ رسید، درباره مردان عراقی بوده است. بنا بر گفته زندانیان زن و وکلای فعال در این زمینه، زنان در سراسر عراق نه به خاطر اینکه چه کرده اند بلکه به این دلیل که همسرانشان دارای "پتانسیل اطلاعاتی" هستند، دستگیر و بی آنکه امکان ارتباط با خارج از زندان را داشته باشند مورد شکنجه و تجاوز قرار گرفته اند." دولت بوش تنها به پیروزی در جنگ می اندیشید و در این رابطه به تنها موضوعی که بی توجه است، نقض حقوق مردم عراق، آمریکا و دیگر کشورهای جهان بوده وهست.

### نقض حقوق بشر در ایران از دیدگاه دیده بان حقوق بشر قانون منع شکنجه "مانند مرده ای در تابوت"

در ۷ ژوئن سال ۲۰۰۴، سازمان دیده بان حقوق بشر، در گزارشی در ۷۳ صفحه پیرامون نقض حقوق بشر در ایران انتشار داد. در این گزارش، از شدت یابی شکنجه، دستگیریهایی خودسرانه و بازداشت جهت جلوگیری از بالا رفتن بحرانهای سیاسی در ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی یاد شده است. در این گزارش آمده است: "مجلس اصلاح طلبان در ماه مه قانونی را به تصویب رساند که طی آن شکنجه افراد غیر قانونی می شود. اما این قانون دارای ابزارهای مکفی برای اجرا نیست." سازمان مزبور معتقد است، این قانون که تنها تلاشی برای حفظ دستیابی به تمایلات پشت پرده سیاسی است، مانند "مرده ای در تابوت است." خانم سارا لی وایتسون، دبیر اول دیده بان حقوق بشر در خاورمیانه و افریقای جنوبی می گوید: "این ادعا که اصلاحات در ایران به شکنجه خاتمه داده است، دروغی بیش نیست" او می گوید، روزنامه نگاران، روشنفکران و

فعالان سیاسی بیش از هر زمانی از ابزار عقیده انتقادی از حکومت در وحشت هستند. گزارش دیده بان حقوق بشر، مدارک مستدلی از شکنجه و زندان انفرادی به عنوان ابزاری برای شکستن پایداری مخالفان و وادار نمودن آنها به اعتراف به جرم به دست آورده است. افرادی که با نمایندگان این سازمان مصاحبه شده اند، نویسندگان روزنامه نگارانی بوده اند که تحت بازجویی های بی رحمانه با چشم بند و آزار فیزیکی و فشار برای پس گرفتن نظرات سیاسی قرار گرفته اند. افرادی که در گذشته بازداشت شده بودند، از وجود سلولهای انفرادی در زیرزمینهایی که گفته اند در آنجا برای هفته ها بدون داشتن ارتباط با فرد دیگری نگهداری شده اند، خبر داده اند. آنها توسط برخی از قضات تهدید گشته اند که چنانچه اعتراف به جرم نکنند، برای مدت زمان نامحدودی در سلولهای انفرادی باقی خواهند ماند. بسیاری از فعالان دانشجویی، توضیحات مشروحی پیرامون شکنجه های فیزیکی به دست لباس شخصیها و ماموران اطلاعاتی داده اند. این گزارش همچنین دارای اسنادی مبنی بر استفاده از ضرب و شتم، اجبار به بی حرکت ماندن در یک حالت مشخص، لگد زدن به بازداشت شدگان با چکمه های سربازی، آویزان کردن آنان از بازو و یا پا و تهدید به اعدام در صورتی که به جرم خود اعتراف نکنند، می باشد. در گزارش مذکور، ماموران اطلاعاتی لباس شخصی که برای دستگاه قضایی کار می کنند، مسئول مستقیم شکنجه بازداشت شدگانی معرفی شده اند که به انتقاد از دولت برخاسته اند. ماموران یاد شده، در خارج و یا به موازات دوایر ساختاری دولت فعالیت کرده و مستقیماً به رهبری مذهبی این کشور گزارش می دهند. اعضای این "نیروهای موازی"، در میان اسیران رژیم، به سرباز پیاده نظام معروف گشته اند. آنها مامور مبارزه با مخالفان جمهوری اسلامی هستند و هیچگاه به خاطر اعمالشان مجازات نشده اند. دیده بان حقوق بشر، اسنادی از حضور و همکاری قضات در اطاقهای بازجویی به دست آورده که بر مبنای آن، قضات یاد شده طی بازجوییهای همراه با تهدید و آزار زندانیان، نظاره گرامضا و اعترافات جعلی به جرم شده اند و حتی

بقیه در صفحه ۱۰

## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۹  
خود اقدام به تهدید آنان کرده اند. برخی از مقامات قضایی به ویژه سعید مرتضوی، دادستان کل، به جای اطمینان از اجرای عدالت، خود دستور شکنجه زندانیان را داده است. بسیاری از کسانی که خواهان وکیل مدافع شده اند و یا خواستار رایبه حکم قانونی برای دستگیری خود گردیده اند، بیش از سایر زندانیان مورد آزار و شکنجه قرار گرفته اند.  
در این گزارش از احتیاج اروپا خواسته شده است تا بر فشارهای خود علیه رژیم جمهوری اسلامی افزوده واز آن خواسته شود تا قدمی محکم و جدی در امر خاتمه بخشیدن به شکنجه و بدرفتاری با بازداشت شدگان برداشته و از آزادی بیان حمایت کنند.

طی روزهای ۱۴ و ۱۵ ژوئن، نمایندگان اروپایی در ایران وارد دیالوگ با رژیم خواهند شد. این دیالوگ که به سومین سال خود قدم می گذارد، تاکنون نتوانسته است به موفقیتی در این زمینه دست یابد. در واقع وضعیت حقوق بشر در ایران وخیم تر گشته است. خانم سارا لی وایتسون از اتحادیه اروپا خواسته که هر چه زودتر جمهوری اسلامی را به خاطر نقض حقوق بشر محکوم کرده و خواستار آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و اجرای منع واقعی شکنجه گردد.

## نقض حقوق بشردر ایران در گزارش ۲۰۰۴ سازمان عفو بین الملل

سازمان عفو بین الملل در گزارش خود، مقررات گزینه ای جمهوری اسلامی که طی آن افراد به خاطر داشتن اعتقادات سیاسی از بدست گرفتن برخی مشاغل منع می گردند را نقض حقوق دمکراتیک آنان خوانده است. این سازمان، بکارگیری این مقررات را که در پی استفاده از آن هزاران نفر از کسانی که مایل به کاندیداتوری در مجلس ارتجاع بودند، حذف گردیده اند را از جمله نقض حقوق آنان برشمرد.

به گزارش این سازمان، بکارگیری همین مقررات در مورد اعضا اتحادیه های کارگری و رهبران آنها نیز سبب گشته است که رسیدگی به مشکلات

کارگری غیرممکن گردد. گزارش برای مثال از "حادثه ای که در کرمان رخ داد و طی آن حداقل ۴ نفر در اثر حملات پلیس کشته شدند" یاد کرده است. بازداشت دانشجویان و کارگران پس از شرکت در تظاهرات، از دیگر مسایل مطرح شده در این گزارش است. همچنین در این گزارش آمده است "آزادی بیان و تجمع مورد تهاجم دستگاه قضایی قرار داشته است" و تعداد زیادی از روزنامه نگاران به زندان افکنده شده اند. از جمله در ماه آوریل، انصافعلی هدایت در تبریز به زندان افکنده شد. محسن مفیدی در زیر ضربه های شلاق که مجازات جرمهای کوچک به حساب می آید، جان خود را از دست داد. در ماه ژانویه، محمد محمد زاده به خاطر قتل که در سن نوجوانی انجام داده بود، اعدام گشت. این اعدام هشتمین مورد اعدام کسانی است که جرایمی را پیش از رسیدن به سن قانونی مرتکب شده اند.

## فقر و نقض حقوق بشر

در ۱۶ آوریل سال ۲۰۰۴، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، گزارش مشروحی از چگونگی پیشرفت اهداف توسعه هزاره ارائه دادند. در این گزارش، این دو نهاد بین المللی که همواره تلاش کرده اند تا فعالیتهای تخریب گرایانه خود را انکار کنند، به شکست اهدافی که در نشست عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ در نظر گرفته شده بود، اعتراف کردند. آنها دستیابی به رشد اقتصادی لازم را به سرعت بیشتر در امر اصلاحات وابسته دانسته اند. هدف نشست سال ۲۰۰۰، به نیم رساندن تعداد افرادی می باشد که در کشورهای فقیر از گرسنگی، فقر و بیماری رنج می برند.

بنا به گزارش دونهاد بین المللی یاد شده، کشورهای آفریقایی در بدترین شرایط موجود بسر می برند. تنها ۸ کشور که ۱۵ درصد جمعیت این منطقه را در بر می گیرند، به این هدف نزدیک تر گشته اند. از دیگر کشورهایی که در موقعیت بهتری قرار گرفته اند مانند چین، پیشرفت در نقاط متفاوت به یکسان نبوده است. تنها ۱۵ تا ۲۰ درصد کشورهای مورد نظر، در زمینه بهداشت و درمان به این اهداف نزدیک تر شده اند.  
بیماریهایی از قبیل ایدز، مالاریا و سل، در حال رشد بوده و چشم اندازی برای توقف و یا کند شدن سرعت سرایت آنها وجود ندارد.

یکی از مهمترین فاکتورهای موثر در عدم توسعه در زمینه بهداشت و درمان، کمبود آب آشامیدنی پاک است. در گزارش بانک جهانی و صندوق بین المللی پول این کمبود در آسیای جنوبی و آفریقا بشدت به چشم می خورد. برای اینکه طی ۱۰ سال آینده تعداد افرادی که از دسترسی به آب آشامیدنی محروم هستند به نیم برسد، ۱/۵ میلیارد نفر بایستی به آب پاک دسترسی پیدا کنند. ۲ میلیارد نفر به سیستم تخلیه فاضل آب نیازمندند. با سرعت رشد فعلی، تنها نیمی از این نیاز برطرف خواهد شد و به این صورت، اکثر مناطق جهان به حد مورد نظر نخواهند رسید. در نتیجه، در سال ۲۰۵۰ از هر ۴ نفر، یک تن در کشوری زندگی خواهد کرد که دارای کمبود آب پاک آشامیدنی است.

با توجه به اینکه سازمان ملل در اوایل سال جاری اعلام کرده بود یک ششم جمعیت جهان زاغه نشین هستند و این واقعیت که نهادهای دولتی و خصوصی که مسولیت رساندن آب پاک به شهروندان را عهده دار هستند از رساندن آن به افراد زاغه نشین خودداری می کنند، مردم محروم زاغه نشین، این کمبود را به گونه دو جانبه احساس خواهند کرد.

در اوایل سال ۲۰۰۴، بانک جهانی و IMF، شصتمین سال تولد خود را در شهر واشنگتن دی سی جشن گرفتند. این در حالی بود که میلیونها نفر در سراسر جهان، زیر بار بدهیهای سنگینی که از برکات کمکهای اندک این دو نهاد بوجود آمده است، پشت خم کرده اند. از طرفی، بنا به اعتراف این دو نهاد بزرگ مالی در گزارش اخیرشان، از ۳/۴ میلیارد دلاری که برای مبارزه با امراضی مانند ایدز، مالاریا و سل تعیین گشته، تنها مبلغ ۱/۵ میلیارد دلار آن داوطلب پرداخت یافته است و ۱ تاکنون تنها ۲۳ میلیون دلار پرداخت شده است.

فقر روزافزونی که مردم زحمتکش جهان متحمل آن گشته اند، بدهیهایی که با بهره های کمر شکن از سوی نهادهای مالی برای آنها تعیین شده است و عدم کمکهای لازم، به روشنی نشان دهنده شکست سیاست جهانی سازی است. زندگی مردم فقیر نه تنها بهبود نیافته بلکه، بدتر نیز شده است. با این حال، به جای اصلاح سیاستهای قبلی، در گزارش یاد شده همان روشهای سوخته با شدت و حدت بیشتری تجویز گشته است. تدوین کنندگان این گزارش، از کشورهای توسعه یافته خواسته اند تا هر چه بیشتر خصوصی سازی و اجرای برنامه های "

تغییرات ساختاری" صندوق بین المللی پول را به اجرا در آورند. آنان همچنین از کشورهای اروپایی نیز خواسته اند برای رشد اقتصادی خود به میزان ۲ تا ۳ درصد، باید برنامه های "تغییرات ساختاری" IMF را به اجرا در آورده و به ویژه در بازار کار و مدهای اجتماعی صرفه جوئی کرده و سوبسیدهای کشاورزی را قطع کنند تا از این طریق، هزینه تولید به سود سرمایه داران پایین آورده شده و بدین وسیله برنده اصلی باز هم خود باشند.

این دونهاد، همواره در جهت تامین منافع سرمایه داران، فشار بر کارگران و استثمار مهاجرین برای کارآرزان را تشویق کرده اند.

بیماری، گرسنگی و فقر، پایمالی حقوق انسانهاست. هراسناکی باید به اندازه نیاز از امکانات زندگی برخوردار باشد. آنچه که صرف نابودی زندگی مردم فقیر می شود، می تواند جان میلیونها نفر را از خطر مرگ برهاند. بنا بر گزارشی که در ماه ژوئن سال جاری از سوی انستیتو تحقیقاتی بین المللی صلح در استکهلم انتشار یافت، مخارج نظامی جهان در سال گذشته، ۹۵۶ میلیارد دلار بوده است. نزدیک به نیمی از این مقدار را ایالت متحده آمریکا برای جنگ در عراق به مصرف رسانده است. با این حال، تهدیدات کشتار جمعی و تروریسم هنوز بر جای خود باقیست.

آنچه که از سال ۲۰۰۳ تاکنون در نقض حقوق بشر رخ داده، ضربه سهمگینی بر پرنسیپهای نخستین نهادهای بین المللی مانند سازمان ملل متحد که بر پایه حفاظت و تامین این ارزش بنیان گذاری شده است، وارد آورده است. بسیاری از حکومتهای دیکتاتور و مستبد، مسئول پدید آمدن شرایط مزبور هستند. از این رو، وظیفه مردم عدالتخواه سراسر جهان، فعالیت در جهت تغییر این شرایط می باشد. چالشی که در برابر جنبش جهانی حقوق بشر بوجود آمده است، کوشندگان این جنبش را موظف به مبارزه ای سخت کرده است. امواج گسترده اعتراضی در سراسر جهان علیه یورش نظامی و اشغال عراق، همچنین فقر و تنگدستی تحمیل شده از سوی نهادهای بزرگ مالی مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، نشان می دهد که افراد بسیاری در چار گوشه جهان، از همه امکانات خود برای پیشروی انسانها در احقاق حقوق خود استفاده می کنند.

## رویدادهای هنری

لیلا جدیدی

مایکل مور، کارگردان فیلم  
فارنهایت ۹/۱۱ برنده جایزه  
نخل طلائی شد

نمایش فیلم طلای سرخ برای  
کمک به زلزله زدگان بم

پس از ۵۰ سال، فیلم فارنهایت به  
کارگردانی مایکل مور اولین فیلم



گوید، کسانی که این فیلم را دیده اند گفته اند بیش از آنچه تصور می کرده اند این فیلم در انتخابات تاثیرگذار خواهد بود. او در باره چگونگی ساخت فیلمش فاش کرد که فیلمبرداران خود را به طور مخفیانه وارد عراق کرده است و گفت: "سربازان بخاطر دروغی که به آنان گفته شده بود پریشان خاطر بودند."

مایکل مور، قبلا به تماشاچیان فستیوال کان گفته بود که دولت بوش تلاش کرده است این فیلم قبل از انتخابات ریاست جمهوری ماه نوامبر به روی صحنه آورده نشود. کمپانی دیزنی که قبلا به نمایش فیلم تعهد داده بود، به خاطر ملاحظات سیاسی از نمایش آن سرباز زد.

مور پس از دریافت جایزه ارزشمند نخل طلائی گفت، انتظار دارد رسانه‌های راستگرا در آمریکا، اعطای این جایزه را از سوی فرانسه، مخالفت این کشور با جنگ عراق اعلام کنند. به همین علت، او توضیح داد که بین ۹ عضوهای داوری کن، تنها یک فرانسوی وجود دارد. این در حالی است که تعداد آمریکاییها در این هیات، چهار تن بود. مایکل مور همچنین گفت، بسیاری از آمریکاییها اکنون می‌فهمند که فرانسویها دوستان خوبی برای آمریکاییها هستند که سعی می‌کنند کار درست انجام دهند و راه اشتباه را به ما نشان دهند.

وی افزود: ما به مردم این کشور برای آنچه که در رسانه‌هایمان به آنها نسبت داده‌ایم، یک عذرخواهی مدیون هستیم.

مور بعد از دریافت این جایزه، آن را به دخترش و تمام کودکان آمریکا، عراق و سراسر جهان که در جریان جنگ رنج برده‌اند، اعطا کرد.

**جوایز دیگر جشنواره کان**  
دومین جایزه‌ی افتخاری جشنواره که جایزه بزرگی به حساب می‌آید، به پارک چان - ووک، برای کارگردانی فیلم "پریپسر" اعطا شد.



جایزه بهترین هنرپیشه زن به مگی چیونگ، برای ایفای نقش در فیلم "پاک" داده شد.

یاگیرا یویا، هنرپیشه‌ی ۱۴ ساله نیز، جایزه بهترین هنرپیشه مرد برای بازی در فیلم ژاپنی "کسی نمی‌داند" را دریافت کرد.

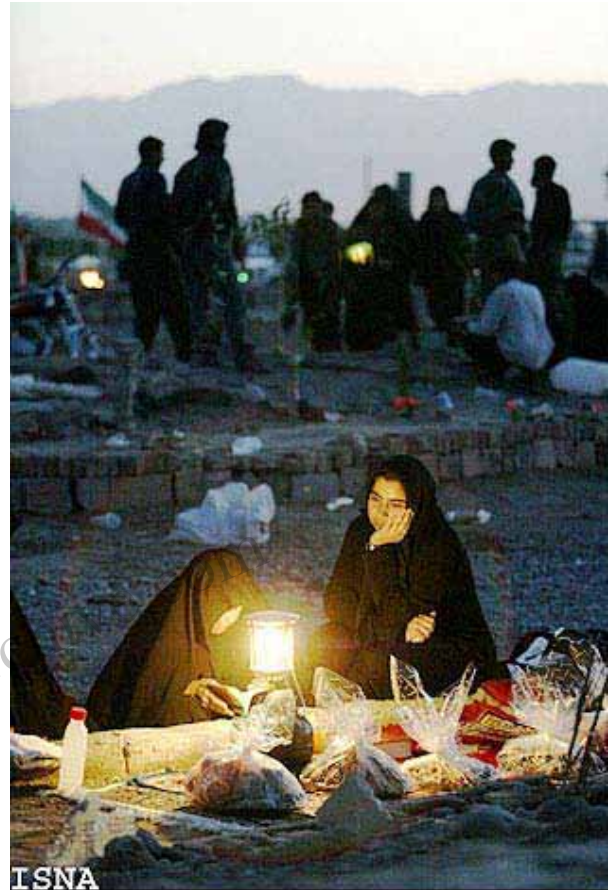
جایزه‌ی بهترین کارگردانی و بهترین فیلم‌نامه به کارگردانان فرانسوی اعطا شد. تونی گاتلیف، جایزه‌ی افتخاری کارگردانی را برای ساخت فیلم "تبعیدیها" دریافت کرد. اگنس ژاوتویی و ژان پیر باکری همکاری، جایزه بهترین فیلم‌نامه را برای فیلم "به من نگاه کن" دریافت کردند.

فیلم Tropical Malady، جایزه سوم هیات داوران جشنواره را از آن خود کرد. جایزه‌ی دیگر هیات داوران به ارما پی هال، برای ایفای نقش در فیلم "دخترک‌کشا" اهدا گردید.

**کیرن یدایا، کارگردان فیلم "یا"**  
برنده جایزه دوربین طلائی

روز ۲۲ مه، کارگردان معروف اسرائیلی، کرن یه دایا، برنده جایزه "دوربین طلائی" فستیوال کان شد. خانم یه دایا، طی سخنانی در این مراسم، جایزه پراعتبار خود را به مردم فلسطین و بقیه انسانهایی که برای بیرون آمدن از زیر یوغ بندگی مبارزه می‌کنند، اهدا نمود.

این فیلم، اولین ساخته این کارگردان است.



ISNA

ISNA/PHOTO:MEHDI GHASEMI

مستندی گشت که موفق به کسب جایزه‌ی نخل طلائی جشنواره بین‌المللی فیلم کن شد. کوانتین تارانتینو، رییس هیات و کاتلین ترنر هنرپیشه از جمله داوران این جشنواره بودند.

مایکل مور که با استقبال پر شور شرکت کنندگان روبرو گشته بود گفت: "شما چه کردید؟ من کاملا شگفت‌زده شده‌ام. مرسی."

مایکل مور، از شدت هیجان هنگامی که برای دریافت جایزه به روی سن رفت، برای چند لحظه نمی‌توانست صحبت کند. اما او در سال ۲۰۰۲، هنگامی که جایزه‌ی اسکار برای کارگردانی فیلم "بولینگ برای کلمباین" را دریافت کرد، در سخنرانی خود به شدت علیه جورج بوش و جنگ در عراق به انتقاد پرداخت.

فیلم فارنهایت ۹/۱۱، جنگ عراق و ارتباط بوش با خانواده بن لادن را مورد بررسی قرار داده است. مایکل مور می

شرکت سینمایی میکادو، با همکاری انجمن دوستان بم که به همت لوئیزا پیه‌مونته‌سه، در پی فاجعه‌ی بم و جهت جمع آوری کمک‌های مالی برای بازسازی ارگ بم تشکیل شده است، شبی را به نمایش "طلای سرخ" به کارگردانی جعفریناهی اختصاص داد. این فیلم با حضور فیلمساز، درسینمای آلکازار به نمایش گذاشته شد. جعفریناهی، درآمد حاصله از این نمایش را به زلزله زدگان بم اختصاص داد.

فیلمساز طلای سرخ، ضمن صحبت از اهمیت ارگ بم و لزوم بازسازی آن، از ساخته شدن فیلمی در این خصوص توسط کیانوش عیاری، یکی از فیلمسازان سینمای ایران خبر داد. "طلای سرخ" از روز ۲۸ مه در سینماهای کلیه مراکز استان و شهرهای ایتالیا به نمایش گذاشته شد. سینما "ساخر" در شهر رم نیز به نمایش آن پرداخت.



## زنان در مسیر رهائی

الف. آناهیتا

## ایران

## فقط نیمی از دانش آموزان دختر عشایر، به دبیرستان راه می یابند

خبرگزاری مهر، ۲۰ خرداد ۸۳

کارشناس مسئول مدارس شبانه روزی آموزش و پرورش عشایر گفت به دلیل کمبود مدارس شبانه روزی دخترانه، نرخ گذر دختران دانش آموز مدارس شبانه روزی از مقطع تحصیلی راهنمایی به متوسطه حدود ۵۰ درصد است.

هدایت الله مقدم در گفتگو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری مهر با اشاره به اینکه در مقطع متوسطه بیش از ۳ هزار و ۲۳۰ دانش آموز دختر در مدارس عشایری مشغول تحصیل هستند افزود: در مقطع راهنمایی تحصیلی حدود ۳ هزار و ۶۰۰ دانش آموز دختر در مدارس شبانه روزی مشغول تحصیل هستند که از این تعداد فقط ۱۹۴۳ نفر از آنها به مقطع متوسطه راه می یابند.

وی با تأکید بر این که برای تحت پوشش قرار دادن تمام دانش آموزان دختر عشایر، آموزش و پرورش عشایر نیازمند حداقل ۱۸ مدرسه شبانه روزی در ۱۸ منطقه آموزش و پرورش عشایر است، گفت: در حال حاضر حدود ۱۱۳ واحد شبانه روزی در کشور وجود دارد که این آمار به هیچ وجه پاسخگوی نیاز دانش آموزان عشایر خصوصا دختران دانش آموز که به دلیل فرهنگی عشایر محدودیت های خاص دارند، نیست.

کارشناس مسئول شبانه روزی آموزش و پرورش عشایر با اشاره به جمعیت ۷۷ هزار و ۵۷۹ نفری دانش آموزان دختر عشایر کشور افزود: در حال حاضر ۴۱ آموزشگاه شبانه روزی دخترانه در مناطق عشایری کشور فعال است که از این تعداد ۲۶ آموزشگاه شبانه روزی در دوره راهنمایی و ۱۵ آموزشگاه در مقطع متوسطه است.

وی با اشاره به جمعیت دانش آموزی حدود ۱۸۱ هزار و ۳۳۳ نفری دانش آموزان عشایری کشور گفت: ترک تحصیل دانش آموزان به دلیل کمبود مدارس شبانه روزی فقط مختص دختران عشایر نیست و این کمبود شامل مدارس شبانه روزی پسران نیز می شود.

## ابطحی: درخواست حق طلاق از سوی زنان با مبانی حقوقی و دینی منافات دارد

وب نوشت، ۱۰ خرداد ۸۳

محمد ابطحی، معاون حقوقی پارلمانی رئیس جمهور درخواست حق طلاق از طرف زنان را منافی مبانی حقوقی و دینی می داند. وی در سایت اینترنتی خود به نقد از جنبش زنان در ایران پرداخته و معتقد است که اساسی ترین خطری که این جنبش را تهدید می کند بی توجهی به واقعیت های فرهنگی و اجتماعی ایران است. وی با بیان این مطلب که جامعه ایران با کشوری مانند سوئیس تفاوت بسیاری دارد تأکید می کند که اگر جنبش زنان ما مواردی مانند جلوگیری از زن آزاری، بیمه زنان سرپرست خانواده، جلوگیری از قاچاق زنان و مواردی دیگر که خود آنها بهتر می دانند را پیگیری کنند و به نتیجه برسانند بهتر از آن نیست که از حق طلاق مساوی که با مبانی حقوقی و دینی منافات دارد صحبت کنند!

وی می گوید اگر سقف مطالبات جنبش زنان از واقعیات مورد قبول فرهنگ عمومی مردم بالاتر رود احقاق حقوق که قابل استیفا هم هست امکان پذیر نمی شود.

مساله اساسی این است که به رغم مبارزه و بیکار تحسین آمیز زنان میهن ما به دلیل ساختار حاکمیت سیاسی قرون وسطائی حاکم، زنان نتوانسته اند جایگاه واقعی و شایسته خود را در روند تصمیم گیریها داشته باشند. نکته ای که آقای ابطحی عوام فریبانه از کنار آن می گذرد این است که بر اساس قوانین زن ستیزانه ای که نظام مبتنی بر ولایت فقیه در میهن ما به تصویب و اجرا در آورده است، زنان نصف مردان به حساب می آیند و به عنوان یک فرد در انجام امور خصوصی قدرتی نداشته و از حقوق دموکراتیک و اولیه خود همچون حق طلاق محروم گشته اند.

در این میان، جنبش زنان در میهن ما نسبت به برهه تاریخی که در آن قرار دارد و نسبت به نوع ساختار سیاسی حاکم، دقیقا و به حق برای دستیابی به حقوق دموکراتیک خود مبارزه می کند و گزینه میزان خواستهای زنان بر خلاف سخنان ابطحی که تلاش می کند مطالبات جنبش زنان در ایران را کوچک و تا سطحی ابتدایی پایین بیاورد، بسیار فراتر از تنها رسیدن به حقوق دموکراتیک است. زنان میهن ما خواهان برابری اجتماعی به معنا و مفهوم کامل آن هستند، زنان می خواهند همچون مردان بتوانند بطور برابر حقوق در همه عرصه های

اجتماعی و اقتصادی و مهم تر از آن در پهنه تصمیم گیری در حیات سیاسی کشور، تأثیر گذار باشند و برای رسیدن به این مطالبات نمی توان و نمی بایست حتی به میزانی بسیار کوچک از مبارزه برای رسیدن به خواستهای دموکراتیک خود همچون حق طلاق، دریغ ورزید.

برخورد با مسائل حقوق زنان به عنوان بخش جداناپذیری از پیکار برای دستیابی به استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی امر مهمی است که نمی توان آن را به فردای نامعلومی واگذار کرد.

بر خلاف ادعای معاون حقوقی پارلمانی نظام ولایت فقیه در امور زنان که البته چیزی جز کاریکاتور نظریه و تئوری رنگ باخته دیگر سران نظام نیست، مسائل و مشکلات زنان کاملا جنبه و ماهیت سیاسی دارد و معضلات بیشمار زنان، پدیده ای خارج از مجموعه روابط حاکم و جدا از روندهای کلی جامعه نیست. سران نظام مردسالار همواره تلاش کرده اند مشکلات زنان را فرهنگی و مشکلاتی زنانه عنوان کرده و بدین ترتیب از سیاسی شدن آن جلوگیری نمایند.

با تمام این احوال، فرهنگی که ابطحی از آن صحبت می کند نه فرهنگ مردم ستمدیده میهن ماست، بلکه فرهنگ زن ستیزانه و عقب مانده ای است که از طرف طبقه حاکم بر جامعه تحمیل می گردد و برای اصلاح و تکامل فرهنگ عمومی جامعه باید ساختار سیاسی حاکم را دگرگون ساخت. مساله

ای که ابطحی از آن هراس دارد، نه به نتیجه نرسیدن جنبش زنان به مطالباتش بلکه، بالا رفتن آگاهی جنبش زنان و پافشاری آنان بر مطالباتی است که دستیابی به آن در چارچوب ساختار سیاسی حاکم امکان پذیر نیست و بنابراین برخورد بین آگاهی و رشد مطالبات این جنبش با ساختار سیاسی، اقتصادی حاکم، منافع طبقاتی امثال ابطحی را نیز به خطر می اندازد. ابطحی واقعیات جامعه را از دریچه منافع طبقاتی خود و نظامی که از آن حمایت می کند می بیند و نه از دریچه منافع میلیونها تن از جمعیت جامعه ما که زیر فشار تبعیض جنسی که قانون از آن حمایت می کند، قرار گرفته است.

زنان ایران با ایجاد تشکلهای مستقل که بتواند جدا از منافع حکومتیان عمل کند و پافشاری هر چه بیشتر بر مطالبات دموکراتیک خود می توانند به

پیروزی های چشمگیری دست پیدا کنند.

## ارث بردن از اموال غیر منقول شوهر بر خلاف فرهنگ اهل بیت است

رسالت، ۲۵ اردیبهشت ۸۳

آیت الله نوری همدانی، مصوبه اخیر مجلس در خصوص ارث بردن زن از اموال غیر منقول شوهر را بر خلاف فقه و فرهنگ اهل بیت دانست. وی با اشاره به این مصوبه مجلس افزود: در مجلس شورای اسلامی قانونی تصویب کردند که زن و مرد در مساله ارث، از مال منقول و غیر منقول یکدیگر ارث می برند و اگر ورثه نبود و هر کدام از دنیا رفتند کل ثروت را دیگری ارث می برد. در فقه و فرهنگ اهل بیت زن از عین خانه مرد ارث نمی برد و یک فقیه آشنا به فرهنگ اهل بیت نداریم که با این اصل مخالف باشد، ما باید بر اساس فرهنگ اهل بیت گام برداریم.

وی پرداختن مجلس به این موضوع را کاری بیپوده دانست و یادآور شد که با توجه به تمام گرفتاریهای این ملت همچون فقر و فساد و تبعیض، بیکاری جوانان و نبود اسباب ازدواج، مشکل مسکن و گرانی به جای آنکه فکری برای این موارد بکنند، رفته اند سراغ چیزی که خودشان هم می دانند که شورای نگهبان آن را رد خواهد کرد.

## واشنگتن دی سی

## صدها هزار زن در دفاع از حق و حقوق زنان در واشنگتن دی سی دست به راهپیمایی زدند



۲۵ می ۲۰۰۴ AP

صدها هزار نفر در دفاع از حق کورتاژ و مخالفت با سیاستهای داخلی و خارجی رییس جمهور آمریکا، جرج بوش در واشنگتن دی سی دست به راهپیمایی زدند. زنان از بیشتر از ۶۰ ملیت مختلف با شرکت در این راهپیمایی، مخالفت خود را با سیاست خارجی دولت بوش که از مرزهای آمریکا گذشته و آسیبهایی زیادی به زنان در جهان وارد آورده است، اعلام کردند. از جمله این آسیبهها، توقف کمک مالی از طرف دولت آمریکا به گروه های خارجی که برای بهبود بقیه در صفحه ۱۳



## زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۲  
وضع خانواده ها تلاش می کنند و در عین حال با مساله کورتاژ نیز مخالفتی ندارند به دستور دولت بوش است.

بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر در این راهپیمایی شرکت کردند، این میزان شرکت کننده از میزان شرکت کنندگان در تحصنی که در دفاع از حق کورتاژ در سال ۱۹۹۲ انجام شد، قدم فراتر نهاد.

خانمی ۶۸ ساله به همان دلیل که ۳۰ سال پیش (مدت زمانی که عمل کورتاژ قانونی شده است) در راهپیمایی دفاع از حق کورتاژ شرکت کرده بود، امروز نیز در بین زنان شرکت کننده حضور داشت. وی گفت: «من باید اینجا حضور داشته باشم تا برای نسل بعدی و نسل بعد از آن مبارزه کنم. ما نمی توانیم به آنها اجازه بدهیم تا بر بدن ما، سلامتی ما و زندگی ما تسلط پیدا کنند و تصمیم بگیرند.»

به گفته وکلای که در این راهپیمایی شرکت کرده بودند، مساله حق کورتاژ در دوران ریاست جمهوری بوش بسیار ضعیف و سست شده است و میزان خطر واژگون شدن اساس این حق، در صورتی که بوش بار دیگر به پست ریاست جمهوری انتخاب شود، بسیار زیاد است.

«این انتخاب ماست، نه سیاستمداران» به اعتقاد خانم فمینستی که در این راهپیمایی شرکت کرده بود، سیاستهایی که جرج بوش اتخاذ کرده، بسیار سنتی و جاه طلبانه و بی شباهت به سیاست واتیکان و مسلمانان خشک مذهب نیست. وی همچنین جرج بوش را به بر باد دادن منابع بین المللی متهم ساخت.

تجمع بسیار کوچکی در امتداد این راهپیمایی توسط مخالفان کورتاژ تشکیل شده بود که «راهپیمایی مرگ» نام داشت. عده ای از زنانی که زمانی عمل کورتاژ را انجام داده و امروز پشیمان هستند، با به تن کردن لباس سیاه، در این تجمع حضور داشتند.

پلیس، ۱۶ نفر از مخالفان کورتاژ، از اعضای ائتلاف مسیحی را به دلیل نداشتن اجازه قبلی برای راه انداختن راهپیمایی و یک نفر را به دلیل پرت کردن تخم مرغ پلاستیکی پرت شده از جوهر به طرف اعلانات طرفداران حق کورتاژ، دستگیر کرد.

به گفته گردانندگان، این راهپیمایی فقط در دفاع و حفظ حق کورتاژ ترتیب داده نشده بلکه، در دفاع از کلیه حقوق

زنان و حق تصمیم گیری آنان برای زندگی خود تشکیل شده بود.

## کویت

## مبارزه زنان برای دست یافتن به حق رای ادامه دارد

سازمان عفو بین الملل، ۷ می ۲۰۰۴ اگرچه با مرور زمان شرکت زنان در انجام امور دولتی در کشور کویت رواج بیشتری پیدا می کند اما هنوز تبعیض جنسی در امور اساسی و بنیادی ادامه دارد. پانزده مارس امسال یک زن به عنوان سفیر کویت در سازمان ملل به کار گماشته شد اما همزمان زنان از داشتن حق رای هنوز محروم هستند. شرکت زنان در بخشهای دولتی، خدمات درمانی، آموزشی و رسانه های گروهی بسیار بالا است. زنان، هفتاد درصد دانشجویان در دانشگاه های کویت را تشکیل می دهند و پنجاه درصد از این میزان، در رشته های پزشکی و مهندسی مشغول به تحصیل هستند. در موارد شخصی اما زنان آزاد نیستند و تبعیض جنسی در مواردی مانند طلاق، ازدواج و ارث، شدیداً اجرا می شود به طوری که زنان بدون اجازه یکی از مردان فامیل اجازه گرفتن پاسپورت ندارند.

به گفته خانم حیا المغانی، جامعه شناس از کشور کویت، «حقوق فردی در جامعه کویت اهمیتی ندارد، نام خانواده بیشترین ارزش را دارد و در آغاز می آید. زنان نیز در پایداری این شرایط بد در جامعه بی تقصیر نیستند، آنها از سایش بین دو جناح استفاده می کنند و به قدرت سیاسی دست پیدا می کنند.» طبق گفته یک مرجع که ترجیح می دهد نامش فاش نگردد، زنانی که در امور دولتی اشتغال دارند با وجود اینکه با استفاده از قدرت خود قادرند در مورد مسایل کشوری دخیل باشند اما در این امر کوتاهی می کنند.

تقاضا برای به رسمیت شناختن حقوق زنان از سال ۱۹۶۲، از زمانی که دولت کویت تشکیل شده وجود داشته است. تشکل فرهنگی و امور اجتماعی زنان کویت که در سال ۱۹۶۳ تاسیس گردید، از دولت می خواهد تا به پیش نویس قانون اساسی که اساس آن دموکراسی، عدالت و آزادی است عمل کند و همچنین این تشکل تلاش می کند که دولت کویت را به برسمیت شناختن حق رای زنان وادار سازد.

مساله حق رای زنان در سال ۱۹۹۹، در دولت مورد بحث قرار گرفت که در انتها با ۳۲ رای منفی در مقابل ۳۰ رای موافق خاتمه پیدا کرد. به گفته یکی از اعضای تشکل فرهنگی و امور اجتماعی زنان کویتی: «دولت کویت تا

به حال پیرامون این مسئله جدی عمل نکرده است اما دولتمردان بخوبی می دانند که ما تا زمانی که به این خواسته به حق خود دست پیدا نکنیم، دست از تلاش بر نمی داریم و تا آنهنگام نیز فشارهای بین المللی بر دولت کویت برای احقاق حق رای زنان از طرف گروه ها و تشکلهایی که به این مسئله ایمان دارند، پایان پیدا نخواهد کرد.»

## ترکیه

## زنان در یک زندگی توأم با وحشتی مداوم به سر می برند

سازمان عفو بین الملل، ۲ ژوئن ۲۰۰۴ سازمان عفو بین الملل بر اساس کمپینگ توقف خشونت علیه زنان که به مدت دو سال در سراسر جهان آغاز شده است، گزارشی پیرامون وضعیت دهشت بار زنان در کشور ترکیه انتشار داد.

بر اساس این گزارش، دست کم یک سوم و یا به جرات نصف زنان کشور ترکیه در خانواده مورد آزار و اذیت جسمی قرار گرفته اند. این زنان نیز مانند تمام خواهران نگون بخت دیگر خود در سراسر دنیا، مورد تجاوز و خشونت فیزیکی قرار گرفته اند، عده ای به قتل رسیده اند و عده ای دیگر دست به خودکشی زده اند.

خشونت به صورتهای متفاوت توصیف می شود اما «ترس» کلمه ای است که در تمام این توصیفات مشترک است. ترس از پدر، برادر و از شوهر. در کشور ترکیه بسیاری زنان مورد قتل ناموسی قرار گرفته اند یا در ابتدای جوانی مجبور به ازدواج شده اند.

خشونت علیه زنان در کشور ترکیه آنچنان گسترده است که به صورت پدیده ای عادی از طرف جامعه ترکیه مورد قبول واقع شده، حتی در بین رهبران احزاب سیاسی و سیستم قضایی کشور.

مورد های بسیار نادری از اعمال خشونت علیه زنان در ترکیه از سوی دادگاه ها مورد تحقیق و بررسی قرار می گیرد و در بین این موارد نادر، بسیار کم اتفاق می افتد که مجرم دادگاهی شود.

بر اساس قانون، جرم مردی که زنی را مورد تجاوز جنسی قرار داده ولی حاضر به ازدواج با قربانی خود است، بسیار سبک و ناچیز خواهد بود.

سازمان عفو بین الملل از ترکیه می خواهد که فوراً قوانینی که باعث رواج تبعیض جنسی در جامعه می شود را تغییر داده و برابری و آزادی و امنیت زنان این کشور را تامین نماید و افزوده بر این، ترتیباتی بدهد تا زنانی که مورد خشونت قرار گرفته اند هر چه سریعتر

مورد حمایت قرار گرفته و متهم دادگاهی شود.

## گزارشی پیرامون آزار و اذیت جنسی زنان فلسطینی بازداشت شده توسط نیروهای اسرائیلی

۲۰ می ۲۰۰۴، turks.us

به گفته یک زن فلسطینی که از بازداشتگاه اسرائیلیها آزاد شده است، بیش از پانزده تن از دوستان وی که بازداشت بودند، توسط بازپرسان اسرائیلی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند تا بدین طریق آنها را مجبور به همکاری با سازمان خیر رسانی اسرائیلی و به ارتکاب به جرمی اعتراف کنند که بدان متهم شده اند.

این زن فلسطینی که حاضر نیست نامش افشا شود می گوید: «بازپرسان اسرائیلی و ماموران سازمان جاسوسی اسرائیل از تمام صحنه های تجاوز فیلم برداری می کردند تا زنان بازداشت شده را شرمند کنند، من مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته ام و از این اعمال عکس برداری و فیلم برداری شده است...»

وی ادعا می کند که این شیوه در بازداشتگاهها و زندانهای اسرائیلی از زمانهای متعددی تا امروز از طرف بازپرسان اسرائیلی علیه زنان بازداشت شده فلسطینی اعمال می شود.

یک زن فلسطینی دیگر که نه سال در زندانهای اسرائیل به سر برده می گوید: «تجاوز جنسی توسط نیروهای اسرائیلی سالهای زیادی است که علیه زنان بازداشت شده فلسطینی استفاده می شود و زنان به دلیل حساسیت

مساله و سنتی بودن بسیاری از انجمنها و تشکیلات فلسطینی، از بازگو کردن این خفت و رسوایی شرم دارند، نیروهای اسرائیلی نیز زنان را تهدید می کنند که در صورتی که آنان از این مساله به رسانه های گروهی و یا مرجع دیگری شکایت کنند، عکسها و فیلمهای تجاوز را در برابر دید انظار عمومی قرار خواهند داد»

بر اساس این گزارش، تجاوز و آزار و اذیت جنسی فقط شامل بازداشت شدگان زن نمی شود و علیه بازداشت شدگان مرد نیز اعمال می گردد.

بر اساس گفته های سامه السایهن، یک پژوهشگر حقوق بشر فلسطینی، «شبکه اطلاعاتی اسرائیل یا "شبک"،

یک دستگاه مخوف جاسوسی است.» به گفته وی، این سازمان از بیشتر از بیست و پنج نوع شکنجه برای اعتراف گرفتن از بازداشت شدگان فلسطینی استفاده می کند و تکنیک برهنگی که

بقیه در صفحه ۱۴

## زنان در مسیر رهایی

توسط ماموران آمریکایی علیه بازداشت شدگان عراقی به کار گرفته شده است، سالهای زیادی است که توسط ماموران اسرائیلی استفاده می شود اما متأسفانه هنوز هیچ فیلم و تصویری از سیستم اطلاعاتی اسرائیل به بیرون درز پیدا نکرده تا بربریت و وحشیگری دولتی که ادعای دموکراسی دارد را علنی سازد. بازداشت شدگان عراقی توسط ماموران آمریکایی در زندان ابوغریب را نشان داد در واقع کپی روشهایی است که توسط نیروهای اسرائیلی علیه بازداشت شدگان فلسطینی طی دورانی طولانی اعمال می شود.»

وی اضافه می کند، ماموران اسرائیلی، زنان بازداشت شده فلسطینی را برهنه کرده و برای زمانی طولانی به تخت می بندند. وضعیت مردان زندانی بهتر از زنان نیست، مردان فلسطینی را در مقابل دید یکدیگر و سربازان اسرائیلی برهنه کرده و اگر مقاومتی از کسی سر بزند، آنها را بصورت وحشیانه ای مورد شکنجه قرار می دهند.»

دست کم هفت هزار زندانی زن و مرد فلسطینی، در بازداشتگاه های اسرائیلی به سر می برند.

دیرانی، یک بازداشت شده لبنانی که به تازگی آزاد شده در روز ۲۷ ژانویه امسال در دادگاه تل آویو گفت: «من توسط نیروهای اسرائیلی مورد تجاوز جنسی قرار گرفتم. بازجو به من گفت به من تجاوز خواهد کرد و این کار را انجام داد.»

## گزارشی پیرامون چگونگی وضعیت زنان بازداشت شده عراقی



۲۳ می ۲۰۰۴، The Guardian

رسوایی آزار و اذیت بازداشت شدگان عراقی در زندان ابوغریب، اولین بار توسط نامه ای که در ماه دسامبر ۲۰۰۳ از طرف یکی از زنان بازداشت شده به طور پنهانی به دست یکی از وکلای این زندان رسید، افشا شد.

در ابتدا باور محتوای این نامه برای وکلای زن از جمله امل کایهام سوتادی، بسیار مشکل بود. بر اساس این نامه، ماموران آمریکایی به تجاوز زنان بازداشت شده عراقی متهم شده بودند و بسیاری از این زنان باردار شده اند. بر اساس این نامه ماموران آمریکایی، زنان را به برهنه شدن در مقابل مردان مجبور کرده بودند.

بعد از مدتها، وکیل امل سوتادی، یکی از هفت وکیلی که توانسته بود وکالت زنان عراقی بازداشت شده را در دست بگیرد، به حقایق آزار و اذیت و تجاوز جنسی زنان بازداشت شده عراقی که هنوز اتهامشان مشخص نشده بود و در حقیقت به درستی نامه ای که به دستش رسیده بود پی برد و متوجه شد که این مساله در سراسر بازداشتگاهها و زندانهای عراق در جریان است.

در نوامبر سال ۲۰۰۳، امل کایهام سوتادی، با یکی از زنان بازداشت شده ملاقات کرد که به وی گفت بارها توسط ماموران آمریکایی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است و زمانی که تلاش کرده بود در مقابل آنان مقاومت کند، او را به شدت کتک زده بودند و دست وی را زخمی کرده بودند. این زن بخیه ها و جراحتهای روی دستش را به او نشان داد.

بعد از تحقیقاتی که توسط نیروهای آمریکایی بطور مخفیانه پیرامون محتوای نامه ای که به دست وکلا رسیده بود، انجام شد آنها اعتراف کردند که محتوای نامه کاملا صحت داشته است.

امروز که افتضاح آزار و اذیت بازداشت شدگان عراقی در رسانه های گروهی جهان به تصویر کشیده شده است، هیچ جای تردید و شبهه ای نیست که زنان عراقی بازداشت شده نیز مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند. هیچ کس از تعداد این زنان اطلاعی ندارد اما تقریباً ۱۸۰۰ تصویر که با دوربین دیجیتالی گرفته شده است و نشان دهنده آزار و اذیت و تجاوز جنسی به زنان بازداشت شده عراقی توسط ماموران آمریکایی است، در اختیار نیروهای آمریکایی قرار دارد.

بر طبق این گزارش فیلم های ویدئویی که نشان دهنده فیلم برداری ماموران آمریکایی از تن برهنه زنان عراقی است نیز وجود دارد.

تصاویری از نشانه رفتن اسلحه به طرف سر این زنان و مجبور کردن آنان به نشان دادن سینه های خود، در مجلس سنا و کنگره دولت آمریکا برای نمایندگان به نمایش گذاشته شده است اما جرج بوش اجازه علنی شدن این فیلمها و تصاویر برای انظار عمومی را نداده است.

وی علت این کار را جلوگیری از افزایش خشونت علیه سربازان آمریکایی در عراق عنوان کرده است اما در حقیقت علت ممانعت بوش از نشان دادن این تصاویر به جهانیان، جلوگیری از شرمندگی بیشتر از سیستم اداری و نظامی دولت آمریکا است.

طبق گزارش یکی از فعالان حقوق بشر، هدی شاکر، دانشجوی علوم سیاسی در دانشگاه بغداد که در حال تحقیق پیرامون این مساله برای سازمان عفو بین الملل است، خانم نور، شخصی که نامه را به بیرون از زندان رسانده بود، به قتل رسیده است. «ما بر این باوریم که نور در بازداشتگاه توسط ماموران عراقی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و باردار شده است و بعد از رهایی برای حفظ شرف و ناموس، توسط یکی از مردان فامیل به قتل رسیده است.»

براساس گفته های این فعال حقوق بشر، قتل ناموسی در جوامع اسلامی بسیار عادی است و زنی که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است، طبق تفسیر مراجع اسلامی، شرم را برای خانواده خویش به همراه آورده و توسط مردی از فامیل مورد قتل ناموسی قرار می گیرد. با توجه به

این مساله، عجیب نیست که تا بحال کمتر زن عراقی حاضر به بیان آنچه در بازداشتگاه های نیروهای آمریکایی بر وی گذشته است، شده است.

بر پایه گزارش خانم هدی شاکر، زنان به صورت گروهی پنج نفری در سلولهایی با طول دو و نیم متر و عرض یک متر و نیم نگه داری می شوند.

«ماه نوامبر سال گذشته، زمان دیدار ما از زندان ابوغریب، از دقیقا همان سلولهایی که بیشترین تصاویر آزار و اذیتهای جنسی در آنجا عکس برداری

شده و یا فیلم گرفته شده، زنی دست خود را از پنجره میله دار بیرون آورد. در این زمان یکی از مترجمان تلاش کرد خود را به او برساند اما فوراً توسط یک مامور زن آمریکایی به عقب هل داده شد.»

## لیلا زانا آزاد شد

لیلا جدیدی

خانم لیلا زانا، فعال حقوق بشر و برنده جایزه حقوق بشر اروپا، به همراه سه نماینده دیگر مجلس ترکیه، روز چهارشنبه ۲۰ خرداد، از زندان این کشور آزاد شد. او که ۱۰ سال از زندگی خود را در زندان بسربرد و سرانجام با فعالیت هزاران مدافع حقوق بشر در سراسر جهان از زندان آزاد گشت، پس از رهایی گفت، برای همان ایده آلهایی که به خاطرش به زندان رفت فعالیت خواهد کرد.

همزمان با آزادی او رادیو ترکیه به پخش موسیقی خلق کرد پرداخت.

نبرد خلق در شماره ۲۲۷، از فعالیت رفقای سازمان در همکاری با سازمان عفو بین الملل جهت آزادی این زندانی و تعدادی دیگر از جمله آقای ارژنگ داوودی، زندانی رژیم جمهوری اسلامی خبر داده بود.

در این شماره از نشریه نبرد خلق آمده بود: " خانم لیلا زانا از کشور ترکیه و سه عضو دیگر پارلمان ترکیه، محکوم به ۱۵ سال زندان شده اند. جرم آنان ابراز عقلمندی شان در هنگام مراسم سوگند در پارلمان این کشور به یافتن راهی مسالمت آمیز جهت حل اختلاف بین مردم ترک و خلق کرد این



کشور می باشد. خانم لیلا زانا در حالیکه سربند رنگارنگ و سنتی کردی بر سر داشت، در یک سخنرانی کوتاه به زبان کردی خواستار صلح شد. به خاطر این اقدام، او "جدایی طلب" و "خیانتکار" خوانده شد.

سازمان چریکهای فدایی خلق و سازمان عفو بین الملل، آزادی خانم زانا را به ایشان و همبندان آزاد شده شان، مردم عدالت خواه جهان و کسانی که برای آزادی و عدالت می کوشند، تبریک می گویند.

## یادداشت و گزارش

اش. مفسر

## بیخود نمی گفتم جناح هار

ماجرای حمله آخوند اژه ای رئیس دادگاه ویژه روحانیت و نماینده قوه قضائیه در هیات نظارت بر مطبوعات به عیسی سحر خیز نماینده مدیران مسئول مطبوعات در جلسه هیات نظارت بر مطبوعات و گاز گرفتن عیسی سحر خیز، یک رویداد بی مانند و ماندنی در تاریخ رژیم روضه خوانهای ددمنشی است که هم به عنوان رویدادهای صاحب قدرت در ایران است، ماندنی است. هم تا نسلا بعد هر کس که تاریخ این رژیم منحوس را ورق بزند حتما از خواندن این ماجرا هم خنده اش خواهد گرفت و هم برای کسانی که برای برپیده شدن دستگاه دیکتاتوری آخوندی به پا خاستند و تلاش و جانفشانی کردند، درود خواهد فرستاد. ماجرا آن گونه که در خبرها گفته شد، در بحث بر سر مطلبی از یک جامعه شناس که در ماهنامه بی به چاپ رسیده بود، پیدا شد. در آن مطلب نویسنده با بررسی روابط دختران و پسران و پیامدهای روابط پنهانی توصیه کرده بود که برای آن که روابط دختران و پسران جوان به درون خانه ها و پنهان از دید جامعه کشیده نشود، بهتر است که آزادیهایی در روابط دختران و پسران در نظر گرفته شود. بنا بر آن چه در سایت امروز در ۵ خرداد نقل شده بود، سحرخیز به دفاع از نظر این جامعه شناس می پردازد، اما اژه ای با عصبانیت عیسی سحرخیز را متهم می کند که او نیز مانند آن جامعه شناس مروج این مسائل است و حتی مشکلی ندارد اگر فرزندان هم به این کارها کشیده شوند. عیسی سحرخیز از این اتهام خشمگین می شود، و به محسنی اژه ای یادآوری می کند که او هر دو فرزندش را در سنین بسیار پایین ازدواج داده است. سحرخیز در ادامه به اژه ای می گوید اگر تو راست می گویی بیا با هم به خیابانها برویم که ببینی که مردم با من چگونه رفتاری می کنند و با تو چه رفتاری نشان خواهند داد. این اظهارات چنان اژه ای را به خشم می آورد، که قندان دم دستش را به سوی سحرخیز پرتاب می کند. این قندان به سحرخیز اصابت و او را زخمی می کند. اژه ای به این کار هم اکتفا نکرده، از جای خود بر می خیزد و با قندانی دیگر در دست به طرف او می رود و قندان را بر سرش می کوبد. سحرخیز می

کوشد با ننگ داشتن اژه ای، مانع ضربات بعدی شود، اما اژه ای دست عیسی سحرخیز را گاز می گیرد و پیراهنش را پاره می کند. پس از این جریان عیسی سحرخیز با ظاهری آشفته، ژولیده و خونین به پزشک قانونی می رود تا آثار ضرب و جرح را ثبت کند. نعمت احمدی وکیل عیسی سحر خیز در گفتگویی که سایت امروز آن را نقل کرده بود گفت: «آقای محسنی اژه ای از یک وقار و متانت خاصی برخوردارند، اما در اینجا چرا این حرکتی که خلاف شان است، از ایشان سر زده، باید آن فیلم (فیلم جلسه) را دید تا مشخص بشود. من با توجه به جایگاه شایسته و وزین ایشان می خواهم این مساله کاملا برملا بشود. این سابقه اول نیست، در گذشته هم یک بار در یکی از این جلسات هیات نظارت آقای محسنی اژه ای قندان را مجدداً به طرف آقای سحرخیز پرت کرده بودند». سوال: «حالا چرا همیشه از قندان استفاده می کنند؟ دکتر نعمت احمدی: «خب آلت قتاله یا آلت حمله و حربی در یک جلسه عمومی غیر از این چیزها نیست». نعمت احمدی، در گفتگو با بخش فارسی بی بی سی در همین زمینه گفت آقای سحرخیز را پس از جلسه با وضعیت آشفته و پیراهنش پاره دیده که روی شانه اش محل گازگرفتنی به چشم می خورد، سرش بر اثر برخورد جسم سخت زخمی شده و «بخشی از پائین تنه بدنش خراشیدگی عمیقی برداشته بوده تا آنجا که پزشک قانونی برای وی دو هفته طول درمان تعیین کرده است». سایت‌های اینترنتی هم عکسی از عیسی سحر خیز را که روی شانه چپش، جای دندان نیش اژه ای زخم ایجاد کرده بود منتشر کردند. اظهارات وکیل عیسی سحر خیز این گمان را به وجود می آورد که حجت الاسلام اژه ای به عنوان یکی از کارگزاران خدا در روی زمین با کوبیدن قندان به سر عیسی سحر خیز می خواسته دستیار عزرائیل باشد و جان عیسی سحرخیز را بگیرد، اما زخم پایین تنه سحر خیز این ظن را به وجود می آورد که آقای سحر خیز بدهی معوقه ای به حجت الاسلام اژه ای داشته و این زخم و خراش ناشی از اقدام حجت الاسلام اژه ای به عنوان «طلبکار» برای گرفتن طلبش بوده که شانس به یاری سحر خیز آمده و اژه ای فقط توانسته خراشی در قسمت پایین تنه سحر خیز ایجاد کند ولی نتوانسته عضو بدن او در ناحیه مربوطه را بکند و جدا کند و به جای طلبش بردارد! این اژه ای کسی است که در قتل‌های زنجیره ای اسمش به میان آمد.

تمدنی هنوز عقیبم. چرا ما این گونه شده‌ایم که وقتی جوان و میانسال ما به یک کشور دیگر می‌رود، زندگی و ظواهر و امور دیگر کشورها را می‌بیند، حیرت و فکر می‌کند چرا ما این گونه هستیم و آنها آن گونه؟ (سایت امروز ۲۰ خرداد). ابتدا باید گفت که در همین چند جمله که از مهاجرانی که نقل شد، جناب ایشان با همه دودوزه بازی و زرنگی، ناخود آگاه بر مبنای همان دیدگاهی موضع گرفته که دیدگاه حکومتی از اسلام است، دیدگاهی که چار چوبهای قانونی و قضایی بسیار تبعیض آمیز در مورد حقوق شهروندان را تشکیل می دهد، یعنی بحث بر سر هویت را ناخود آگاه چنان با اسلام تبعیض گرایانه آمیخته که فراموش کرده ایرانیان مسیحی ایرانیان یهودی و ایرانی زردشتی هم وجود دارند. از اینها گذشته در مبارزه با عقب ماندگی و بی عدالتی و دیکتاتوری، ایرانیان «بی دین و مرتد و فطری» نقشی بسیار بزرگ و تاریخی داشته اند که سیمای تابناک و اسطوره ای جزئی ها و پویان ها و احمد زاده ها، دهقانی ها و پاک نژادها معرف آن هستند. مهاجرانی که می خواهد خودش را بسیار آدم واقع گرا و منصفی به نسل جوان معرفی کند، کی و چقدر در دوره وزارتش تلاش کرد راه معرفی و آشنایی نسل جوان را با واقعیت مبارزات قهرمانانه مبارزان غیر مذهبی با رژیم دست نشانده شاه را، با برداشتن سد سانسور در این زمینه هموار کند؟

این که هویت ایرانی را نمی شود از هویت دینی جدا کرد حرف مفتی است که از آغاز منادانش با اهداف سیاسی انحصار طلبانه آنرا بیان کردند. مثل آن آقایی از پیروان و همراهان خمینی که می گفت «ایرانیت بدون اسلامیت معنا ندارد» بعد هم رئیس جمهور شد و سپهسالار حمله به دانشگاه برای «انقلاب فرهنگی». ایرانیان قبل از اینکه اسلام به ضرب شمشیر و گردن زدن و زبان بریدن به آنان هدیه شود، در طول قرن‌ها وجود داشته اند. اگر حافظ به رغم ممنوعیت موسیقی در اسلام و برچیده شدن « بساط طاغوتی ساسانی» توسط «سپاه اسلام»، می گوید:

« معنی نوائی به گلبانک رود

بگویی و بزین خسروانی سرود

روان بزرگان ز خود شاد کن

ز پرویز و از باربد یاد کن»، در واقع او آگاهانه بر هویت ایرانی خود که که

بقیه در صفحه ۱۶

## نسل جوان و اسلام حکومتی

عطالله مهاجرانی وزیر پیشین ارشاد اسلامی رژیم در «همایش جوان و هویت ملی» در یزد ضمن سخنانی گفته است که «وقتی بخوایم به عنوان یک جوان و یک ایرانی بدانیم هویت ما چیست، باید بگوییم که هویت ایرانی را در این مقطع نمی‌توان از هویت دینی جدا کرد، باید نقطه تعادل را حفظ کنیم. به جای این که دعوا کنیم که ایرانی مسلمان هستیم یا مسلمان ایرانی فکر کنیم که چرا اینقدر عقب هستیم؟ چرا ما با این پشتوانه‌ی عظیم فرهنگی و

## یادداشت و گزارش

بقیه از صفحه ۱۵

ربطی به اسلام ندارد نظر دارد و به آن دلبستگی نشان می دهد، در عین این که به اسلام و قرآن هم با برداشتهای خودش، دلبستگی داشته. برداشتهایی که هم در انتقاد از «شیخ و مفتی و محتسب» و زاهدان و مبلغان دینی و «دگران»ی که قرآن را «دام تزویر» کرده بودند، جلوه گر می شود و هم آنجا که می گوید:

«رشته تسبیح اگر بگسست معذوم بدار  
دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود  
در شب قدر از صبحی کرده ام عیبم مکن

سرخوش آمد یار و جامی بر کنار طاق بود». مهاجرانی می گوید «به جای اینکه فکر کنیم ایرانی هستیم و مسلمان یا مسلمان هستیم و ایرانی باید فکر کنیم چرا اینقدر عقب هستیم». برای اینکه دلایل عقب ماندگی امروز خود را در حمله سپاه اسلام یا سپاه مغول جستجو نکنیم که از شرایط آن زمان خیلی دور شده ایم، خوب است دلایل عقب ماندگی کشور را در ربع قرن گذشته بررسی کنیم که امام خمینی با سپاه پاسداران و کمیته ها و دادگاههای شرعی کار کرد صدماتش کمتر از حمله سپاه اسلام و مغول برای ایران و مردم ایران نبود، ربع قرن است که همه امور تحت قوانین و ضوابط منطبق با «شرع انور» که حضرات آیات عظام و حجج اسلام در نهادهایی مثل مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و قوه قضائیه بر اجرای آن نظارت کامل داشته اند، اداره شده، ربع قرن است که گردانندگان نظام اسلامی، در سر کوبی مخالفان هیچ محدودیتی نداشته اند. برای درک علت عقب ماندگیها به ویژه باید به تعلیمات و رهنمود های روح الله الموسوی الخمینی، نظری بیفک کنیم. به نظر من سخنرانیها و موضعگیریهای خمینی در سال ۱۳۵۸ به خوبی می تواند بیانگر دلیل عقب ماندگیها و مصائبی که در این ۲۵ سال از رهگذر حکومت اسلامی به مردم رسید باشد. در شماره فروردین نبرد خلق من به یک سخنرانی خمینی در خرداد ۱۳۵۸ اشاره کرده بودم که در آن خمینی استراتژی خود را در بلند مدت و کوتاه مدت به عنوان تکلیفی برای مردم تعیین کرده بود. در آن سخنرانی آن چه نبود صحبت از سازندگی و پیشرفت بود و آنچه لبریز بود تهدید و عزم به سرکوبی دگر اندیشان و سوء استفاده از

ناآگاهی و تعصبات مذهبی توده ها بود. در همین سخنرانی بود که خمینی به صراحت نفرت عمیق خود را از روشنفکران و دگر اندیشان غیر مذهبی که به گفته وی حاضر نبودند یک کلمه از اسلام بگویند نشان داد و تصریح کرد باید با آنان مبارزه ای بدتر (یعنی شدید تر و خشونتبارتر) از محمد رضا کرد چرا که به گفته خمینی شاه ریایی هم اگر بود اسم خدا را می آورد و به زیارت می رفت اما این دسته ریایی هم حاضر نبودند اسم اسلام را ببرند. در همین سخنرانی که در کیهان ۵ خرداد ۱۳۵۸ چاپ شده، خمینی خطاب به مردم گفت «شما شهادت را برای خودتان فوز می دانید برای این که مثل سوسیس بشوید؟ شما قرآن را می خواهید شما برای اسلام قیام کردید». مشکل بزرگ در این ربع قرن گذشته در واقع همین بوده که کشور بر مبنی افکار خمینی اداره شده و بعد از مرگ خمینی همه گروهها و دسته بندیهای رژیم وفاداری خود را به او اعلام و از او در هرفرصتی تجلیل کرده اند. این در حالی است که خیلی وقت است که دیگر هیچ ابهامی در اینکه دستور قتل عام زندانیان سیاسی را خمینی داده و بر اجرای آن تاکید کرده نیست. بنابراین کسانی که از خمینی تجلیل و از او به نیکی یاد می کنند یا مترجم و چنایتکاری از قماش خود او هستند یا این که اصلا خبر ندارند در کشورشان چه گذشته و در هر دو حال چنین افرادی نمی توانند نه مورد اعتماد مردم باشند نه واقعا طرفدار اصلاحات. اکنون روز به روز به تعداد گروههای دانشجویانی که تشکلهای موجود را - که صفت اسلامی را یک می کشند - فاقد ظرفیت لازم برای یک تشکل دموکراتیک می دانند که بخواهد بیانگر خواستههای مردم در اصلاحات سیاسی باشد، افزوده می شود. در اردیبهشت ماه اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان زنجان استعفا و انحلال این انجمن را اعلام کردند. آنان در پایان اطلاعیه خود یاد آور شدند که «با توجه به شرایط سیاسی کشور و تجربه چند ساله اصلاحات بی نتیجه، انجمنهای اسلامی نخواهند توانست در این ساختار، آرمانهای ملت (آزادی، دموکراسی حقوق بشر...) را تحقق بخشد و وجود آنها جز ایجاد مانعی بر سر راه دموکراسی و حقوق بشر و آزادی» به منزله یک سوپاپ اطمینان برای نظام جمهوری اسلامی نبوده، لذا جریانی که از پس این استعفا احیاناً تحت نام انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان فعالیت نماید فقط در راستای

تحکیم و تعمیق ریشه های استبداد بوده و ارتباطی با جریان فکری که از سال ۷۷ بر انجمن اسلامی این دانشگاه حاکم بوده ندارد» آنان خواسته بودند سایر انجمنهای اسلامی به این حرکت به پیوندند. چند سال پیش یکی از عناصر جناح هار مساله وجود بحثهای در انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان برای حذف صفت اسلامی از آن را مورد اشاره و اعضاء آنرا مورد حمله قرار داده بود. در دانشگاه یزد نیز تشکلهای تازه ای شکل گرفته است. در ۱۲ خرداد در خبر ها آمده بود که با تصویب مجمع مشترک انجمن توسعه اسلامی و انجمن اسلامی پیرو خط امام، این دو تشکل از این پس با نام انجمن دانشجویان جمهوریخواه دانشگاه یزد فعالیت خواهد کرد. دفتر تحکیم طیف علامه که بخش نزدیک به جناح ریاکار ۲ خردادی بعد از انشعاب این تشکل بود، خود به بخش مدرن و سنتی تقسیم شده و بحث اینکه تشکلی به اسم پارلمان دانشجویی به وجود آید مطرح شده است. در سطح دانشگاهی بحث ناسازگاری اسلام با دموکراسی مطرح شده و اکنون چماق تکفیر و ارباب نمی تواند مانع از بیان نظرات کارشناسی اندیشمندان و استادان دانشگاه در این زمینه شود. از جمله آقای حاتم قادری استاد دانشگاه در این زمینه در آذر ماه سال گذشته در یک مناظره در دانشگاه «شهید عباس پور» با احمد قابل، گفت که اسلام با دموکراسی سازگاری ندارد و اخیراً نیز در همایشی با عنوان «افغانستان بعد از طالبان» همین نظر را بیان کرده و افزوده که شیعه دور ترین نسبتها را با دموکراسی دارد. به گفته وی معنی دموکراسی این است که شهروند بودن بر ایمان و دیانت ما تقدم دارد و بر اساس همین شهروند بودن سازگاری فراهم می شود (خبرگزاری کار ایران - ۱۵ خرداد). وی سال قبل نیز در بحثی در دانشگاه علامه طباطبایی گفته بود که خوارج از شیعیان دموکراتر بوده اند. اکنون بعد از ۲۵ سال سرکوبی و کشتار و اختناق برای اجرای احکام اسلام مفهوم شهروند و حقوق شهروندی بر مبنای حقوق بشر و اصول شناخته شده در میثاقهای بین المللی و در نظامهای دموکراسی پارلمانی، اعم از این که اسلام عزیز را خوش بیاید یا نیاید، در مرکز مطالبات سیاسی مردم و به ویژه نسل جوان قرار دارد و آگاهی و پافشاری بر همین حقوق است که می رود که به مقوله رهبری منبعث از امامت در شیعه تپیا بزند و ولایت بر مردم در اشکال

## این زن پر شور شورشی

خانم سیمین بهبهانی شاعر بلند آوازه ایران، وقتی در زمینه مسائل روز و سیاسی صحبت می کند، شورشی نظر نمی رسد، اما در شعرهای او به راستی شورشی و سرکش است و در واقع شعرهای اوست که منعکس کننده شخصیت اوست. بعضی از شعرهای او آنجا که به بیان عواطف و احساسات زانه مربوط می شود، به شدت با تابوها و ممنوعیتهای شرعی و فرهنگ مردسالارانه در می افتد و از آنجا که حمله های رسانه ای سالهای گذشته رژیم آخوندی برای خاموش کردن او فایده ای نبخشیده این شعرها سبب خون دل خوردن متعصبان مذهبی و کسانی چون پاسدار شریعتمداری و سانسورچیان رژیم بقیه در صفحه ۱۹



## ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره‌ی به هزار سال مبارزه فرهنگی (۵۰)

اسماعیل وفا یغمایی

### در باره سلسله صفوی و دوران افغانها

درباره سلسله صفوی در خلال زندگی و حوادث دوران حکومت پادشاهان صفوی به اندازه ممکن اشاراتی شد اضافه بر آنچه که اشاره شد دوران صفویان:

۱ - دوران تجدید تمرکز و گسترده‌ی ایران و تثبیت مرزها پس از چند قرن و بخصوص پس از دو حمله خونبار چنگیز و تیمور است. شاید اگر دولت صفوی شکل نمی‌گرفت ایران در تهاجم دو دولت قدرتمند روس و عثمانی و تهاجمات ازبکها سرنوشت دیگری پیدا می‌کرد. اثرات این تمرکز علیرغم کشاکشهای پس از دوران صفویان تأثیرات قوی خود را در شکل‌گیری و تثبیت جغرافیای ایران حفظ کرد.

۲ - دوران صفوی دوران تغییر مذهب در ایران و قدرت گرفتن روحانیت شیعه و گسترش مراکز مذهبی و کثرت آخوندها و شکل‌گیری سلسله مراتب روحانیت در ایران و آمیختگی آن با مردم و فرهنگ و اعتقادات مذهبی مردم است.

با هر دیدگاهی که داشته باشیم نمی‌توانیم منکر تأثیر غول‌آسای فعالیت‌های مکتبی و مذهبی آخوندها در جامعه ایران بشویم، فرهنگ شیعه رسمی به طور قوی با فرآورده‌های نظری ملایان دوران صفوی و ملایان بعد از آنها آمیخته است. حاصل این تأثیرات را تا همین امروز می‌توان مشاهده کرد. در دوران حاضر روح و جان مذهب در حکومت ملایان، در آنچه که از دوران صفویان آغاز شد ریشه دارد و در همین رابطه می‌توان بر حکومت کنونی آخوندها و ظهور خمینی تأمل کرد.

بدون تردید خمینی - از زاویه سیاسی - راهزنی بود که انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران را که شعار اصلی آن آزادی بود به سرقت برد ولی این بخشی از حقیقت است، بخش دیگر و ناگوار حقیقت این است که هیچ دیکتاتوری بدون وجود کسانی که پذیرای او هستند نمی‌تواند بساط ظلم و جنایت را پهن کند.

بدون آنکه نقش سیاست‌های خارجی و «امدادهای غیبی» جهانی را در ظهور خمینی نفی کنیم، خمینی از زاویه فرهنگی و مذهبی روح زنده و تاریک و قدرتمند مذهبی بود که با صفویان و مذهب دوران صفوی اوج گرفت و در گنداب روهای فرهنگ و مذهب ارتجاعی به حیات خود ادامه داد و سرانجام در هیئت پیری سالخورده، فقهی مبارز و ادعای رهبری شیعه و علوی، با استقبال میلیون‌ها تن از مردمی که در او یک منجی و امام و رهبر شیعی علوی عدالت‌خواه را جستجو می‌کردند بر منبر قدرت نشست.

خمینی هرگز به تنهایی و بدون پایه‌ها و ریشه‌های فرهنگی و مذهبی گذشته و بدون وجود فضائی مناسب و گسترده برای تنفس ایدئولوژیک در میان توده‌های مردم نمی‌توانست دیکتاتوری مذهبی ارتجاعی و خشن خود را مستقر کند.

اندک زمانی پس از بر تخت نشستن خمینی، تجربه مستمر و روزمره و خونین دوران حکومت او، بر پائی دستگاه شکنجه و سرکوب، برپائی زندانها و میدانهای تیرباران، فرو ریختن خون هزاران تن از مجاهدان و مبارزان، حاکمیت اختناق، گسترش فقر و فساد و فحشا و بلایای دیگر، به تدریج واقعیت اندیشه او را در حیطه تجربه عملی و احساس و ادراک مردم ایران قرار داد. باید حاصل این تجربه و ریشه‌های تاریخی و مذهبی و اجتماعی آن را با جسارت در روشنائی هر چه بیشتر در معرض تماشا گذاشت. واقعیات تاریخ ایران و انبوه اسناد تاریخی و فرهنگی، و تجربه دوران خمینی نشان می‌دهد که ملایان تنها در پیکرهای مادی خود و سازمان سیاسی و نظامی حکومت خمینی خلاصه نمی‌شوند. در گذر قرن‌ها و با تالاشیهای فکری نسل‌های متمادی آخوندها، و خروارها کتاب و رساله، متاسفانه، فرهنگی برآمده از غبار عظیمی از استخوانهای مردگان قرون و اعصار، و افکار و عقاید پوسیده و ارتجاعی با زندگی و افکار بخش‌های گسترده‌ای از تحت ستم‌ترین توده‌های مردم در آمیخته است و به سازماندهی دنیا و آخرت آنها پرداخته است. هیچ انسان مسئول و دلسوخته‌ای که سودای آزادی میهن و مردم خود را در سینه می‌پرورد نمی‌تواند با این حقیقت تلخ با مسامحه برخورد کند.

با دیدی واقع‌بینانه و خوشبین به آرمانهای عدالت‌خواهانه امامان شیعه که اکثر آنها زندگانی خود را با رنج و تحمل زندان و زنجیر به پایان بردند و

یادر مبارزه‌ای عدالت‌خواهانه علیه جباران روزگار خونشان بر زمین ریخت، نیز، اگر حقیقت تاریخی سرزمین خود ایران را بنگریم، فاصله میان دوران آخرین امام شیعه تا روزگار ما را از سال ۹۴۲ میلادی تا روزگار خمینی - و تا جایی که به سلسله نسب فقیهان و آخوندها مربوط می‌شود - به مدت بیش از هزار سال - در وجه غالب - فرآورده‌های فکری و کارکردهای صدها فقیه، آخوند و عالم شیعه رسمی و دولتی پر کرده است. در این دره وسیع و بیابان مهیب هزار ساله، در وجه غالب، چشم‌اندازی جز جولانگاههای آخوندها و فقیهان مرتجع با کاروانهایی که محموله آنها چیزی جز خرافات نیست وجود ندارد.

ساکنان و فرمانروایان هوشمند، فریبکار و مقتدر این دره تاریخی، پیش از دوران خمینی و تجربه حکومت مذهبی بجز در چند مقطع، همکاران و توجیه‌کنندگان حکومت سلاطین جبار و خونخوار، سازماندهان جهان مردگان و شارحان و مفسران جهنم به مثابه دنیای گناهکاران، و بهشت دنیای متعلق به ثوابکاران و رتق و فتق کنندگان امور شخصی و اخلاقیات فردی و جنسی و اجتماعی... بخش‌های گسترده‌ای از مردم، از لحظه تولد تا مدت‌ها پس از مرگ بودند. با ظهور حکومت خمینی اینان سکان سیاست و تمشیت امور جامعه و زندگی یک ملت را در تمام زمینه‌ها به طور متمرکز و در چهارچوب یک دولت و حکومت مذهبی «جمهوری اسلامی» به دست گرفتند، حاصل کار آن شد که همگی هنوز هم مشغول تجربه آن هستیم. برای تحولی جدی، و جایگزین کردن نگاهی نو به مقوله مذهب به عنوان مقوله‌ای شخصی، فلسفی و فرهنگی، تنها ریشه کن کردن حکومت مذهبی ملایان حاضر کافی نیست. تالاشی جدی و جسورانه، تکاپویی مستمر و زمان‌کافی برای گند زدائی جامعه، و مهمتر از همه شهامت داشتن برای ادراک حقیقت و مبارزه‌ای طولانی و فرهنگی و پالوده‌از آلودگیهای ریز و درشت گذشته که شماری از آنها در پوسته سخت دگمهای مقدس و تابوهای نفوذناپذیر قرار دارند از عوامل اصلی ایجاد این تحول است.

۳ - در دوران صفوی روابط سیاسی و تجارتي ایران با دیگر کشورها و مبادله سفیران با کشورهای اروپائی رونق تازه‌ای گرفت.

۴ - دوران کوتاه دهساله حکومت افغانها یک پراتنتز خونین و سیاه در تاریخ ایران در پایان دوران صفوی است.

حکومت افغانها در ایران نه به دلیل قدرت آنها بلکه حاصل جنایات مستمر دربار صفوی و آخوندها نسبت به بخشی از مردمان تابع دولت صفوی - مردم افغان - و ضعف و زوال و پوسیدگی دوران شاه سلطان حسین است.

حکومت افغانها علیرغم تمام کشتارها به دلیل تضاد با عمومیت تشیع - قدرت گرفته و ریشه دار شده در دوره صفوی - و ملیت ایرانی‌ها هرگز تبدیل به حکومتی سراسری نشد. افغانها تنها در نواحی اصفهان، شیراز، کرمان، سیستان، سمنان، و قسمت غربی خراسان آن هم تنها در نواحی شهری حکمران بودند. این حکومت کوتاه و خونین گذشته از بر هم زدن سیر طبیعی تاریخ ایران باعث از بین رفتن نفوس بسیار و ویرانی شهرها و روستاها و بخصوص ویرانی پایتخت ایران اصفهان شد.

محمد حسن مستوفی نویسنده کتاب «زبده التواریخ» که خود در دوران هجوم افغانها شاهد قضایا بوده و از جمله در پایان کار از دست اندر کاران سر شماری کشتگان در اصفهان بوده شمار کشتگان و قربانیان راتنها در اصفهان هفتصد هزار تن ذکر کرده است. کشتارها و ناامنی‌ها و شورشهای پایان دوره صفوی و بخصوص تهاجم افغانها بخش عظیمی از جمعیت ایران را نابود کرد. لومر کنسول فرانسه در تریپولی سوریه در آن دوران - به نقل از «تاریخ زندگی» تالیف هادی هدایتی - آمار نفوس از بین رفته را مجموعاً در دوران هجوم افغانها و حوادث بعدی حدود ده میلیون نفر ذکر کرده است.

### سلسله افشار

۱۱۴۸ - ۱۲۱۸ هجری، ۱۷۳۵ -

۱۸۰۳ میلادی

۱ - نادرشاه افشار ۱۱۴۸ - ۱۱۶۰ هجری. نادرشاه از ایل قرخلو از شاخه‌های ایل افشاربود و افشارها طایفه‌ای از ترکمانان مقیم در ترکستان بودند که در زمان استیلای مغول بر ترکستان، به اجبار مهاجرت کرده و به آذربایجان آمدند. افشارها در زمان شاه اسماعیل اول به ابیورد خراسان کوچانده شدند. نظرات دیگری نیز در مورد اصل و نسب نادر در آثار سعید نفیسی «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران» و آثار کسروی «تاریخ پانصد ساله خوزستان» وجود دارد.

نادرقلی پسر امامقلی افشارفرزند پوسین دوزی فقیر از ایل افشار بود که در سال ۱۱۰۰ هجری مطابق بقیه در صفحه ۱۸

## ولی فقیه و «مهندسی نظام»

زینت میرهاشمی  
خامنه ای و خاتمی در سالگرد مرگ خمینی در دفاع از ارزشهای ارتجاعی وی بیاناتی ایراد کردند. هر دو همبستگی صنفی و عقیدتی خود را حفظ کرده و از بنیانگذار رژیم ولایت فقیه نهایت تحسین را به عمل آوردند.

خاتمی، خمینی را از «اصلاح گرایان بزرگ و از سرآمدان حرکت اصلاحی» معرفی کرد. رئیس جمهور نظام ولایتی، خواستار آن شد که چهره خمینی را در «زمینه ی سیصد سال اصلاح گری در دنیای اسلام» ارزیابی کنند.

خاتمی با ارائه چنین تصویری از خمینی زیرکانه، بر آن است تا احیای «اسلام» خمینی را الترناتیوی در برابر بنیادگرایی قرار دهد. خمینی، نظام او و بازماندگانش که بر اریکه قدرت هستند، عین بنیادگرایی اسلامی هستند. استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، سیاستهای حمایت گرانه آن از نیروهای تروریست و بنیادگرا در منطقه و جهان، دقیقا به رشد تروریسم و بنیادگرایی در منطقه کمک کرده است. محصول استقرار چنین نظامی، سرکوب نیروهای دموکراتیک و مترقی ایران بوده است. پس بر خلاف حرفهای آقای خاتمی، احیای «اسلام» خمینی نه الترناتیو بنیادگرایی بلکه خود بنیادگرایی است. تا جایی که به شخص خاتمی بر می گردد واضح و آشکار است که از تمامی جنایاتی که خمینی به نام اسلام و تحت عنوان فتوا و یا حکم حکومتی، بر سر مردم ایران و نیروهای مترقی آورد، آگاه است. قتل عام زندانیان سیاسی، تجاوز به دختران باکره قبل از اعدام، درآوردن چشم، گرفتن خون زندانیان و تمامی جنایتهایی که کلمات از به تصویر کشیدن آنان شرم می کنند در شمار اندیشه های «اصلاح گرایانه» ای قرار دارد که خاتمی از جمله مدافعان پیگیر آن می باشد.

خامنه ای به مناسبت چنین روزی، به دفاع از ولایت فقیه پرداخت. او در برابر تفر عمومی مردم از جایگاه ولایت فقیه و شخص او، می گوید: «دشمنان و عده ای از مجذوبان آنها، سعی می کنند ولایت فقیه را، به دروغ، حکومت مطلقه فردی بنامند...»

وی مانند چوپان دروغگو در جمله ای دیگر خلاف حرف خود را می زند. او جایگاه ولایت فقیه را «مهندسی نظام، جلوگیری از انحراف به چپ و راست و حفظ جهت صحیح کشور» بر می شمارد. با توجه به نقش ولایت فقیه در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی و صفاتی که رهبر نظام برای آن برشمرده، بار دیگر تأکیدی بر نقش ارتجاعی و قدرت مطلقه ولایت فقیه است.

۱۵ خرداد ۸۳

## ادبیات ایران در هزاره دوم

بقیه از صفحه ۱۷  
با ۱۶۸۹ میلادی در حوالی دستگرد و درگز متولد شد. نادر در کودکی یتیم شد و در ایام نوجوانی و جوانی زندگانی سخت و فقیرانه ای را سپری کرد. کار او در این دوران هیزم کشی و فروش هیزم بود. در همین ایام بود که او و مادرش به اسارت طوایف ازبک در آمدند. مادر نادر در اسارت مرد و نادر پس از چهار سال موفق به فرار شد.

نادر در سن هجده سالگی به خدمت فرماندار ایبورد، بابا علی بیگ احمد لو افشاردر آمد و به دلیل شجاعت و جنگاوری و تیز هوشی مورد توجه بابا علی بیگ قرار گرفت و با دختر او ازدواج کرد.

در هرج و مرج دوران شاه سلطان حسین صفوی و حمله محمود افغان به ایران، یکی از گردنکشان و نامجویان به نام ملک محمود سیستانی که خود را از نسل سلسله باستانی کیانیان میدانست با سازماندهی ارتشی ده هزار نفره موفق شده بود در مشهد حکومتی مستقل ایجاد کند. نادر پس از مدتی به خدمت ملک محمود سیستانی در آمد و به عنوان سرداری از سرداران او مامور حمله به ازبک هائی که به طو دایمی خراسان را مورد حمله قرار میدادند گردید. او که از قدرت جسمی و تهور زیادی بر خوردار بود و بخصوص در زمینه نظامی، سپهسالاری تیز هوش و برجسته بود ازبکها را شکست داد و پس از شکست ازبکها خواستار نیابت ایالت خراسان گشت ولی مورد خشم و عتاب فرمانروای مشهد قرار گرفت و به دستور ملک محمود مضروب گردید و رانده شد.

نادر پس از رانده شدن از دربار ملک محمود با جمع آوری و سازماندهی شمار زیادی از جنگجویان به عیاری و راهزنی پرداخت و پس از مدتی آوازه اش در سراسر خراسان پیچید. در ادامه کار، نادر کلات را که بعدها به نام کلات نادری معروف شد تسخیر کرد و آنجا را مرکز نیروهای خود قرار داد.

نادر پس از تسخیر کلات با حمله به بخشی از نیروهای ملک محمود نیشابور را بنام شاه طهماسب تسخیر کرد و با این کار نظر شاه طهماسب را به خود جلب کرد. آوازه پیروزی های نادر، شاه طهماسب را به

خراسان و به اتحاد با نادر کشاند. در اثر این اتحاد شمار زیادی از قبایل و طوایف خراسان و بویژه کردهای اطراف خوشان - قوچان کنونی - به ارتش نادر پیوستند.

قتل فتحعلی خان قاجار رئیس ایل قدرتمند قاجار - با رای مشترک شاه طهماسب و نادر - که از رقیبای شاه طهماسب و نادر بود راه ترقی نادر را صاف کرد.

پس از قتل فتحعلی خان قاجار در ۱۴ صفر ۱۱۳۹ هجری مطابق با دهم اکتبر ۱۷۲۶ میلادی، نادر پس از دو ماه و نیم محاصره مشهد موفق شد قوای ملک محمود سیستانی را شکست بدهد. ملک محمود پس از شکست تاج و تخت خود را تسلیم شاه طهماسب کرد و خود در یکی از حجره های حرم درویشی پیشه کرد. نادر با آنکه مذهب تسنن داشت پس از فتح مشهد به زانند کردن صفه ها و مناره های آستانه رضوی پرداخت و پسر خود رضا قلی میرزا را مسئول تمام کار کرد و خود برای ازدواج با دختر یکی از روسای کرد که قیلا او را برای خود نامزد کرده بود روانه خوشان شد، پیش از نادر اما شاه طهماسب دختر را به عقد ازدواج خود در آورده بود و این باعث کدورتی عمیق میان شاه و نادر شد. خانواده و ایل دختر که متوجه شدند میان شاه و سردارش بر سردختر رقابت وجود دارد از تسلیم دختر خود داری کردند و این ماجرا به محاصره قلعه، جنگی خونین و شکست کردها و ازدواج نادر منجر گردید.

نادر در بازگشت به مشهد چون به اسنادی دست یافت که در آنها ملک محمود سیستانی به شورانند کردها علیه شاه طهماسب و نادر دستور داده بود ملک محمود را کشت و پس از آن به دفع و سرکوب افغانهای ابدالی پرداخت و آنها را شکست داد.

نادر پس از دفع افغانهای ابدالی در سه جنگ که به پیروزیهای درخشان انجامید - و پیش از این به آنها اشاره شد - به ماجرای حکومت افغانها در ایران پایان داد. بعد از این پیروزیها، دفع دولتهای روس و عثمانی و پیروزیهای درخشان نادر در جنگ با عثمانی، تسخیر افغانستان غربی و پیروزیهای دیگر نام او را هر چه بلند آوازه تر کرد و نام او را به عنوان ناجی جدید ایران بر زبانها انداخت.

(ادامه دارد)

## شانه ی سرد قوه قضایه رو به هیات اتحادیه اروپایی

منصور امان

به موازات بروز پاره ای مشکلات در معامله سیاسی جمهوری اسلامی با اتحادیه اروپایی پیرامون پرونده اتمی رژیم، آمادگی مالاها برای همکاری در حواشی تبلیغاتی آن همچون مساله حقوق بشر نیز به گونه محسوسی کاهش گرفته است. این امر را به ویژه می بایست هیات اروپایی گفتگو کننده با جمهوری اسلامی در این باره، تجربه کند.

سخنگوی قوه قضایه، پیش از انجام هر گفتگویی، چشم انداز سفر هیات مزبور را به گونه ناامید کننده ای ترسیم نموده و بدین وسیله زمین زیر پای شرکای اروپایی که قوه قضایه و اقدامات آن را مهمترین شاهد و سند "تغییر در وضعیت حقوق بشر در ایران" معرفی می کنند، خالی کرده است. هنوز تبسم رضایت از چهره ی کارگزاران اتحادیه اروپایی پس از تغییر کاغذین حقوق شهروندان ایرانی محو نگشته که آقای غلامحسین الهام، دریچه پندار به هر شادمانی دیگری را به روی آنان می بندد. دورانی که آیت الله شاهرودی بخشنامه خویش پیرامون منع شکنجه و بدرفتاری با متهمان و زندانیان را با هلهله و جنجال صادر می کرد تا نتایج سیاست موثر اتحادیه اروپایی را به سود آن جعل کند، گذشته است و اینک گاه یادآوری این حقیقت رسیده که معامله یک سره جوش نمی خورد.

در این راستا، سخنگوی آیت الله شاهرودی، "شخصا" نتیجه گفتگوهای اخیر را "هیچ" ارزیابی می کند و اختلاف شرکا را اینگونه توضیح می دهد: "ما کار خودمان را می کنیم و آنها هم کار خودشان را." وی سپس لازم دیده که با اشاره به "تفاوتهای مبنایی در دیدگاه های اسلامی و غربی" اندکی نیز بازار گرمی کرده و نرخ را بالا ببرد. آقای الهام در این کوشش آشکار زیاده روی نموده و کمی بیش از حد لازم پیشخوان را به عقب می کشد. او از جمله با جدیت علت نفی میثاقهای حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی را "خدا محور" عنوان می کند و در حالیکه از فرط استحکام استدلال خویش به شوق آمده و به سختی می تواند خود را کنترل کند یک گام فراتر رفته و تأکید

بقیه در صفحه ۱۹

## یادداشت و گزارش

## ترکیبات جدید ذوب شدگی

منصور امان

رسوایی انتخابات مجلس هفتم ملاحظه، ولی فقیه حکومت را به پرده پوشی مضحک رابطه ی ارباب - رعیتی خود با مهره های دست چین شده اش برانگیخته است. درحالی که اعضای جدید ارگان تشریفاتی، جاگرفتن خود در این نهاد را مدیون پشتیبانی افسارگسیخته ی دواپر تحت امرولی نعمت خود هستند، آیت الله خامنه ای، تلاش می کند مجلس "ذوب شده" را از قالب تحت حمایتی خویش بیرون آورده و بدینوسیله به آنان هویت مستقلی ببخشد. او به هیاکلی که نه فقط ازسرتعارف، موجودیت خویش را ناشی از تسلیم تا حد ذوب شدگی به رای و اراده ولی فقیه عنوان می کنند، می آموزد "ذوب درولایت اصولا معنی ندارد" و مفید ترین است که آدرس محل "ذوب" را تغییر داده و مراتب بندگی را در "اسلام" جاری سازند.

توسط این فروتنی مصلحتی، آیت الله خامنه ای به یک کرشمه ازعهده دو کاربرآمده است. اوازیک سو از پذیرفتن مسوولیت پدرخواندگی این مولود پرشایبه فاصله گرفته و همزمان، معیار "ذوب شدگی" را اندکی بالاتر برده تا مهمیز ابواب جمعی را تنگتر به دست بگیرد.

تجربه ولی فقیه پیشین جمهوری اسلامی، آیت الله خمینی، در دستبازی ولی فقیه کنونی حکومت به این تدبیر بی تاثیر نمی تواند بوده باشد. خمینی، چیزی به نام "اسلام عزیز" را به مثابه واحد اندازه گیری برای تعیین میزان اطاعت و سرسپردگی رمه ی مکتبی اش به کار می برد. بداقبالی جانشین اودراین نهفته است که درآن هنگام نیز کمتر کسی چهره پنهان در پس این ماسک را باز نمی شناخت. باتعریف "ذوب" یا بی آن، سند مرکوب خوش خدمت به نام آقای خامنه ای مهر شده است. نوع سواری گرفتن در این رابطه تغییری نمی دهد.

بقیه از صفحه ۱۶

می شود، مثل آن شعر «عشق ورزیدم» که چند سال پیش در نشریات خارج کشور چاپ شد. شعرهای خانم بهبهانی برای نسلهای آینده زنان و دختران ایرانی منبعی است برای تقویت روحیه سرکشی و مبارزه با فرهنگ مرد سالاری و مبارزه با توسری خوردن. چندی پیش شعری از او که با صدای خودش ضبط شده بود از یک رادیو اینترنتی شنیدم. از همان شعرهایی که با بی پروایی از شور و اشتیاق زنانه گفته است. این شعر رگبار بوسه نام دارد و در مجموعه «عاشق تر از همیشه بخوان»، که چاپ دوم آن توسط انتشارات مروارید در سال ۱۳۷۶ در تهران منتشر شده می توان آن را یافت. این شعر پایان بخش یادداشت این شماره نبرد خلق است.

## رگبار بوسه

ای باتو در آمیخته چون جان، تنم امشب!  
لعلت گل مرجان زده بر گردنم امشب  
مریم صفت از فیض تو- ای نخل برومند-  
آبستن رسوایی فردا، منم امشب  
ای خشکی پرهیز که جانم ز تو فرسود!  
روشن شوی چشم، که تر دامنم امشب  
مهتابی و پاشیده شدی در شب جانم  
از پرتو لطف تو چنین روشنم امشب  
آن شمع فروزنده عشقم که برد رشک  
پیراهن فانوس، به پیراهنم امشب  
گلبرگ نیم شبم یک بوسه بسم نیست  
رگبار پسندم، که ز گل خرمم امشب  
آتش نه، زنی گرم تر از آتشم ای دوست!  
تنها نه به صورت، که به معنی زخم امشب  
پیمانۀ سیمین تنم، پر می عشق است  
زنهار از این باده، که مرد افکنم امشب!...

شانه ی سرد قوه قضاییه رو به هیات

اتحادیه اروپایی

بقیه از صفحه ۱۸

می کند: "بانگاه حقوق بشری نمی توان حکومت دینی داشت و براساس این دیدگاه نفس جمهوری اسلامی خلاف حقوق بشر است."

پیداست که طرف حسابهای آقای الهام، "قرائت" خود از "دین مبین" و متولیان آن را دارند و مهمتر از این، در "مینا" نیز مشکل زیادی با "محور" ی که آقای شاهرودی و سخنگویش بدان تکیه زده اند، ندارند. یک کرشمه بخشنامه ای دیگر برای اثبات ایمان اتحادیه اروپایی به "تفاوتهای فرهنگی جوامع" و پیروی هردوطرف از پرنسپهای مشابه کافی به نظر می رسد... اگر پرونده اتمی نمی بود!

۲۷ خرداد ۸۳

## نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سر دبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حعفر پویه

زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرد

بهای اشتراک سالانه

اروپا معادل	۲۰ یورو
آمریکا و کانادا و سوئد	۳۳ دلار
استرالیا	۵۰ دلار
تک شماره	۱ دلار

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران - نبرد بخوانید.

آدرس نبرد خلق در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E.Mail:nabard@iran-nabard.com

## جنگ خبر

اخبار روزانه را در جنگ خبر بخوانید

www.jonge-khabar.com

## کتاب رسیده به کتابخانه نبرد خلق

## آنسوی ممنوع

برگزیده اشعاری از: میترا پورفرزانه

«تقدیم به آنان که در هر کجای دنیا آزادی را پاس می دارند»

# NABARD - E - KHALGH

No : 228 21. June . 2004 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE  
NABARD / Postbus 9458 / 1006 AL Amsterdam / HOLLAND  
NABARD / Post fach 102001 / 50460 Koln / GERMANY  
NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A  
NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION



فدائی خلق حمیدآشرف

## توضیح و پوزش

در شماره گذشته نبرد خلق (۲۲۷) مطلبی در با عنوان «تقدی بر یادداشت سیاسی نبرد خلق شماره ۲۲۶» به قلم «ب.محل» به چاپ رسید که چاپ آن مورد اعتراض نویسنده نامه قرار گرفت. رفیق ب. محل طی نامه ای اعتراضی یادآور شد که نامه به رفیق بیژن پیرامون یادداشت سیاسی، نامه ای خصوصی بوده و برای درج در نبرد خلق داده نشده است. از آن جایی که آن نامه همزمان به دست دیگر رفقای تشکیلات رسیده بود، رفیق بیژن آن را برای چاپ و آگاهی دیگران، در اختیار نبرد خلق گذاشت. مسئولیت چاپ مطالب (منجمله در این مورد) به عهده سردبیر نبرد خلق است. تیر مطلب فوق، از طرف سردبیر گذاشته شده بود. بدین وسیله از رفیق ب.محل بابت اشتباهی که پیش آمده است، پوزش خواهی می شود.

زینت میرهاشمی - سردبیر نبرد خلق

## شهادت فدایی

### تیرماه

رفقا: محمدکاظم غبرایی - بهمن راست خدیو - محمدعلی خسروی اردبیلی - نسترن آل آقا - گلرخ شهرزاد مهدوی - نادعلی پورنغمه - حمیدرضا هزارخانی - مارتیک قازاریان - زهت السادات روحی - آهنگران - محمود عظیمی بلوریان - یدالله زارع کاریزی - اسماعیل نریمسا - محمدرضا (امیر) قصاب آزاد - مسعود فرزانه - علی رضا الماسی - حمید اشرف - یوسف قانع خشکه بیجاری - غلامرضا لایق مهربان - محمدرضا یثربی - فاطمه حسینی - محمدحسین حقتواز - طاهره خرم - عسگر حسینی ابرده - محمدمهدی فوقانی - غلامعلی خراط پور - علی اکبر وزیری - مهدی (بهزاد) مسیحا - حمید آریان - بهزاد امیری دوان - افسرالسادات حسینی - نادره احمدهاشمی - سیمین توکلی - علی خصوصی - کاظم سلحی - احمد خرم آبادی - علی اکبر حق بیان - عبدالله سعیدی بیدختی - حجت محسنی کبیر - غلامرضا جلالی - خسرو مانی - شفیع رضانی - علی اکبر حیدریان - سینا کارگر، احمد باختری، ناصر ممی و نند طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

ترفندهای مختلف وادار به استفا و ترک کار میشوند.

کارکنان شرکت آکومینوم اراک، بمدت ۴ روز، برای افزایش دستمزد خود در تحصن و اعتصاب بسر می برند.

این محرومیتها و عدم رسیدگی به وضع زحمتکشان درحالی است که نرخ اجناس بطورسراسر آوری افزایش می یابد. دراین رابطه بانک مرکزی افزایش ۲۳ درصدی روغن نباتی و ۱۲ درصدی گوشت مرغ و بسیاری دیگر از مواد اولیه غذایی را اعلام کرده است.

یکی از اساسی ترین علل تعطیلی و ورشکستگی کارخانجات بزرگ و کوچک و تولید کنندگان خرد، ورود کالاهای وارداتی بطور قاچاق (رسمی و غیررسمی) است. این واردات درارتباط با سرمایه جهانی و سیاستهای جهانی سازی می باشد که تنها ثروتمندان داخلی که تعدادش در میان سرکردگان رژیم نیز کم نیست از آن بهره می برند. بی کفایتی در مدیریت، دزدی و تقلب نیز که تحت حاکمیت ولی فقیه امری عادی است.

عدم برخورداری از آزادی نیز امکان ایجاد تشکلهای واقعی کارگری را مشکل ساخته است. تا زمانی که این خلا وجود دارد، کارگران قادر به مبارزه با این بی عدالتیها و یا حقه بازبهبایی به نام "قرارداد های موقت کار" و دیگر ناامنیهای شغلی نخواهند بود.

کارگران وزحمتکشان ایرانی بیشترین لطمه را از ناهنجاریهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که حاصل بی کفایتی نظام ارتجاعی ولایت فقیه است متحمل می شوند. ازاین رو به بیشترین درجه تشکل یابی نیز نیازمندند.

۱۸ خرداد ۸۳

## نه نان و نه آزادی، از ولایت به کارگر

لیلا جدیدی

تحت حاکمیت ملاحا، مردم زحمتکش ایران از نان و آزادی، دو نیاز مبرم و پایه ای انسان محروم مانده اند. خواست آزادی و عدالت و دفاع از حقوق، با اسارت در زندانهای مخوف و شکنجه و اعدام پاسخ داده شده و خواست نان با سرکوب روبرو و یا با عدم پاسخگویی و بی توجهی رژیم ولایت فقیه روبرو گردیده است.

روزی نیست که شاهد بسته شدن کارخانه، اخراج، عدم پرداخت مزد عقب افتاده و سرکوب اعتراضات کارگران زحمتکش و محروم جامعه نباشیم. این درحالیست که درمنشور حقوق بشر و دیگر قوانین بین المللی، بر حق دستیابی به کار مناسب و امنیت شغلی برای همه انسانها شدیداً تاکید شده است.

تنها نگاهی به بخش کوچکی از اخبار مربوط به کارگران در یک روز، می تواند شدت وخامت وضع این طبقه را به تصویر بکشد.

به گزارش ایلنا، محمد یعقوبی، دبیر اجرایی خانه کارگریان می گوید که شرکت ریسندگی و بافندگی فومنات نه تنها عیدی و پاداش سال ۸۲ کارگران را نپرداخته بلکه، واریز حقوق فروردین و اردیبهشت سال ۸۳ را نیز به تاخیر افکنده است. این شرکت که سال گذشته به بخش خصوصی واگذار شد، با کمبود مواد اولیه و سپس قطع برق روبرو گشت. از ۲۵۰ کارگر قراردادی، ۸۰ نفر به تازگی اخراج و ۱۷۰ نفر بقیه، در اواخر این ماه قراردادشان به پایان می رسد. کارخانه نساجی فجر که ۳۳۰۰ کارگرداشته، با اخراج اکثریت آنان، تعداد شاعلین را به ۸۰۰ تن کاهش داده است. بسیاری از کارگران با